

کردن اتباع خودشان قانونی دارند که هر کش چندوقت در آنجا اقامت کند جزء تبه امریکا محسوب می شود و در تمام حقوق با سایر اتباع امریکا مساوی است فرداممکن است بکنفری را که مایل نداریم و ملبس بلباس امریکائی باشد بعضی از اشخاص باشد که از پنج سال قبل در امریکا اقامت کرده و امریکائی الاصل نباشد باینجا بیاید و امور را درست بگیرد باین جهت بنده پیشنهاد کردم ابوینش امریکائی باشد زیرا آن وقت نظر سیاسی نسبت بمملکت ما ندارد و بشغل خودش ساهی و جاهد است و بنده چون این شخص را نمی شناختم این پیشنهاد را کردم اگر می شناختم این پیشنهاد اطلاعاتی دارند بفرمایند بنده این پیشنهاد را پس می گیرم

رئیس الوزرا - فرمایشات آقای حائری زاده هم مثالیست آقای حاج میرزا مرتضی است و این یک عبارت رکیکی است زیرا دولت ایران یک نفر مستشار از دولت امریکا می خواهد و دولت امریکاهم یک نفر مستخدم امریکائی بدولت ایران معرفی میکنند در این صورت ذکر این مطالب لازم نیست آقای حاج میرزا مرتضی در موقعی که بر گرام دولت در مجلس مطرح بود و یکی از موادش جلب مستخدمین خارجی بودایشان باین اصل موافق بودند و تصویب کردند حالا مخالفت می نمایند آن وقت شاهزاده نصرت الدوله به بنده می فرمایند چه مدافعه نمی کنید من چه مدافعه بکنم ؟ در محلی که اظهارات آقایان و کلابان زودی فراموش می شود بنده اهمیت نمی دهم که دفاع کنم آقای حاج مرزا مرتضی تقریباً در دو ماه قبل بر گرام دولت را تصدیق کردند که باید متخصصین ازدول غیرمجموار استخدام بشود و امروز می فرمایند نباید استخدام بشود برای اینکه ما اشخاص لایق و کافی زیاد داریم و محتاج ب جلب خارجیان نیستیم بنده تکذیب نمی کنم و نمی گویم اشخاص لایق نداریم لیکن عرض می کنم ما خودمان نمی گذاریم که متخصصین ما کار کنند خیلی آرزو دارم طوری بشود که در آن تبه متخصصین لایق داشته باشیم که محتاج بمستشار خارجی نباشیم

رئیس - راجع به پیشنهاد آقای حائری زاده چون مربوط برای ما نیست نمی توانیم مذاکره کنیم

حائری زاده - تکلیف من چه چیز است در این موضوع موافقت بکنم یا مخالفت ؟

رئیس - تکلیف جناب عالی معلوم است برای ما پدر و مادر این شخص امریکائی نمی شود

حائری زاده - تکلیف من معلوم

نیست و اگر این شخص امریکائی الاصل نباشد من نمی توانم باورای می دهم و لابد باید مخالفت کنم

رئیس - ماده اول مجدداً قرائت می شود و رای می گیریم (ماده اول باتبدیل جمله ) بشرایط ذیل) به جمله (مطابق مواد ذیل) باین ترتیب قرائت شد

ماده اول - مجلس شورای ملی بدولت اختیار می دهد که دکتور ملبسی و تبه امریکارا بسمت ریاست کل مالیه ایران برای مدت پنج سال مطابق مواد ذیل استخدام نماید

رئیس - آقایانی که این ماده را تصویب می کنند قیام بفرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده دوم - ابتداء استخدام از روز حرکت دکتور ملبسی و تبه واشنگتن محسوب می شود و پس از انقضای سه سال دولت ایران ودکتور ملبسیو مختار خواهند بود که دو سال باقی را قبول یا فسخ نمایند

رئیس - در ماده دوم مخالفی نیست ؟

(اظهاری نشد)

رئیس - آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام بفرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب سه ماده سوم قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده سوم - رئیس کل مالیه از بابت حقوق خدمت بانزده هزار دلار سالانه از دولت علیه دریافت خواهد کرد بملاوه برای سال اول خانه و اثاثیه که کفایت مشارالیه را بنمایند از طرف دولت برای او تهیه خواهد شد و از سال دوم تبه مهیر خواهد بود که برای مشارالیه تهیه خانه نموده و بیا مبلغ سه هزار دلار بر حقوق مشارالیه بیفزاید

رئیس - کسی مخالف نیست ؟ (گفتند خیر)

رئیس - رای می گیریم بماده سوم آقایانی که ماده سوم را تصویب میکنند قیام بفرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده چهارم قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده چهارم - رئیس کل مالیه مسؤول وزیر مالیه است و تعهد می کند در ایفاء وظائف خود تمام تعلیمات قانونی مشارالیه را اطاعت کند و در حدود صلاحیت مشارالیه است رئیس کل مالیه حق دارد نظریات خود را شفاهاً

و کتباً بهیئت دولت اظهار نماید

رئیس - نسبت باین ماده ایرادی هست یا خیر ؟

آقای دست غیب - (اجازه)

حاج سید محمد باقر دست غیب - بنده بالینکه باین لایحه مخالفم لکن داخل در موضوع کلی نمی شوم با اینکه بعضی از آقایان در موقع شور در مواد راجع بکلیات هم مذاکره می کنند ولی بنده عرض می کنم مستشار یا مستخدم یعنی که میاورند باید طوری باشد که اختیاراتش کمتر و محدود باشد و اگر اختیارات او را محدود نکنیم می بینم پس از چندیکه آمد بمیل خود رفتار خواهد نمود برای اینکه دارای اختیارات معینی نیست وقتی يك لایحه راجع با استخدام مستشاری بمجلس می آید ما باید حرارت و شوق و ذوق و یک حالت عصبانی آنرا استقبال می کنیم بدرجه که دیگر نظری بمحدود نمودن اختیارات او نداریم ولی بعداً دچار محظورات می شویم این است که بنده عرض می کنم باید اختیارات این مستشار بنظر وزیر مسؤل واگذار شود برای اینکه این ترتیب محدودیتش بیشتر است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب مخالفند ؟

آقا سید یعقوب - بنده يك سوالی دارم

رئیس - بفرمایند

آقا سید یعقوب - مقصود این است جواب آقای حاج میرزا مرتضی و آقای دست غیب و آقای شیخ الاسلام را بدهم همه آقایان تصدیق می فرمایند که باید اشخاص جاهل باشخاص عالم رجوع نکنند پس ما هم که جاهل هستیم جلب مستشاران خارجی را در مملکت خود لازم می دانیم زیرا هر جاهلی بوسیله عالم باید عالم بشود اطلب العلم ولو بالصین این مطلب را هم آقایان باید بدانند که ما مخالف با اصلاحات نیستیم بملاوه پیشنهادی هم تقدیم مقام ریاست کرده ام و عرض می کنم رئیس کل مالیه مستخدم دولت است در این ماده نباید نوشته شود با دولت تعهد میکند عقیده بنده این است نوشته شود رئیس کل مالیه مسؤول وزیر مالیه و باید در ایفاء وظایف خود تمام تعلیمات قانونی مشارالیه را اطاعت کند مستخدم مسؤول است دیگر تعهد می کند لازم نیست ...

رئیس - سئوالتان را فرمایند

آقا سید یعقوب - سئوال من همین لفظ تعهد بود که باید عوض (تعهد می کند) نوشته شود باید در ایفاء وظائف خود

رئیس - اینکه مخالفت است

آقا سید یعقوب - خیر با ماده

موافقم ولی تعهد معنی ندارد از عبارت آخر ماده معلوم می شود که در زمان حدوث اختلاف بین رئیس مالیه و وزیر مالیه محکمه که باید این مسئله را حل نماید و فیصله بدهد هیئت دولت است اما دیگر ذکر نمی کرده است که هیئت دولت چگونه رسیدگی می کند وزیر مالیه را مقدم خواهد داشت یا رئیس مالیه را

رئیس - آقای آقا سید یعقوب هم از آن زندیهائی که آقای نصرت الدوله اشاره نمودند فرمودند

طباطبائی - مخبر کبسیون قوانین مالیه کلمه تعهد یا باید بعقیده بنده هیچ تفاوت ندارد آن معنائی که در تعهدات در لفظ باید هم هست ولی چون این شخص مستخدم خارجی است و در مقابل نهادهای قبول خدمت می نماید لفظ تعهد نوشته شده است اما در مسئله ثانی فرمودند هیئت دولت چه طور رسیدگی می کند عرض میکنم نمیتوان قبل از وقت تعیین نمود هیئت دولت نسبت بقضایائی که پیش می آید چه طور حکم بکند البته در موقعی که قضیه مطرح می شود دولت رسیدگی نموده و هر طور صلاح میدانند حل مینمایند اینها یک چیزی نیست که مهم باشد و لازم باشد آنقدر وقت مجلس را صرف آن بکنم

رئیس - در ماده چهارم ملایکرات کافی است یا خیر ؟

(جمع گفتند کافی است)

رئیس - پیشنهادی از طرف آقای معتمد السلطنه رسیده قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در آخر ماده چهارم قبل از عبارت (اظهار نمایند) جمله (و مجلس شورای ملی) اضافه شود معتمد السلطنه

رئیس - آقای معتمد السلطنه (اجازه)

معتمد السلطنه - هر گاه اختلافی بین وزیر مالیه و رئیس کل مالیه حاصل شود مطابق این پیشنهاد مکلف است سواد می هم از آن راپورت بمجلس شورای ملی بدهد

مخبر - کبسیون بودجه - این اظهار آقای معتمد السلطنه قابل قبول نیست زیرا بموجب این پیشنهاد ایشان تفکیک بین قوه مجریه و قوه مقننه را قائل نیستند در صورتیکه قسمتهای ادار را باید مستقیماً بدولت رجوع نمود ولی مجلس هم در هر موقع نظارت خودش را خواهد کرد

رئیس - رای می گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقای معتمد السلطنه آقایانی که قابل توجه می دانند قیام بفرمایند

(کسی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رای می گیریم بماده چهارم اشخاصی که ماده

رئیس - آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام بفرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده دوم - ابتداء استخدام از روز حرکت دکتور ملبسی و تبه واشنگتن محسوب می شود و پس از انقضای سه سال دولت ایران ودکتور ملبسیو مختار خواهند بود که دو سال باقی را قبول یا فسخ نمایند

رئیس - در ماده دوم مخالفی نیست ؟

(اظهاری نشد)

رئیس - آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام بفرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب سه ماده سوم قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده سوم - رئیس کل مالیه از بابت حقوق خدمت بانزده هزار دلار سالانه از دولت علیه دریافت خواهد کرد بملاوه برای سال اول خانه و اثاثیه که کفایت مشارالیه را بنمایند از طرف دولت برای او تهیه خواهد شد و از سال دوم تبه مهیر خواهد بود که برای مشارالیه تهیه خانه نموده و بیا مبلغ سه هزار دلار بر حقوق مشارالیه بیفزاید

رئیس - کسی مخالف نیست ؟ (گفتند خیر)

رئیس - رای می گیریم بماده سوم آقایانی که ماده سوم را تصویب میکنند قیام بفرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده چهارم قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده چهارم - رئیس کل مالیه مسؤول وزیر مالیه است و تعهد می کند در ایفاء وظائف خود تمام تعلیمات قانونی مشارالیه را اطاعت کند و در حدود صلاحیت مشارالیه است رئیس کل مالیه حق دارد نظریات خود را شفاهاً

و کتباً بهیئت دولت اظهار نماید

رئیس - نسبت باین ماده ایرادی هست یا خیر ؟

آقای دست غیب - (اجازه)

حاج سید محمد باقر دست غیب - بنده بالینکه باین لایحه مخالفم لکن داخل در موضوع کلی نمی شوم با اینکه بعضی از آقایان در موقع شور در مواد راجع بکلیات هم مذاکره می کنند ولی بنده عرض می کنم مستشار یا مستخدم یعنی که میاورند باید طوری باشد که اختیاراتش کمتر و محدود باشد و اگر اختیارات او را محدود نکنیم می بینم پس از چندیکه آمد بمیل خود رفتار خواهد نمود برای اینکه دارای اختیارات معینی نیست وقتی يك لایحه راجع با استخدام مستشاری بمجلس می آید ما باید حرارت و شوق و ذوق و یک حالت عصبانی آنرا استقبال می کنیم بدرجه که دیگر نظری بمحدود نمودن اختیارات او نداریم ولی بعداً دچار محظورات می شویم این است که بنده عرض می کنم باید اختیارات این مستشار بنظر وزیر مسؤل واگذار شود برای اینکه این ترتیب محدودیتش بیشتر است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب مخالفند ؟

آقا سید یعقوب - بنده يك سوالی دارم

رئیس - بفرمایند

آقا سید یعقوب - مقصود این است جواب آقای حاج میرزا مرتضی و آقای دست غیب و آقای شیخ الاسلام را بدهم همه آقایان تصدیق می فرمایند که باید اشخاص جاهل باشخاص عالم رجوع نکنند پس ما هم که جاهل هستیم جلب مستشاران خارجی را در مملکت خود لازم می دانیم زیرا هر جاهلی بوسیله عالم باید عالم بشود اطلب العلم ولو بالصین این مطلب را هم آقایان باید بدانند که ما مخالف با اصلاحات نیستیم بملاوه پیشنهادی هم تقدیم مقام ریاست کرده ام و عرض می کنم رئیس کل مالیه مستخدم دولت است در این ماده نباید نوشته شود با دولت تعهد میکند عقیده بنده این است نوشته شود رئیس کل مالیه مسؤول وزیر مالیه و باید در ایفاء وظایف خود تمام تعلیمات قانونی مشارالیه را اطاعت کند مستخدم مسؤول است دیگر تعهد می کند لازم نیست ...

رئیس - سئوالتان را فرمایند

آقا سید یعقوب - سئوال من همین لفظ تعهد بود که باید عوض (تعهد می کند) نوشته شود باید در ایفاء وظائف خود

رئیس - اینکه مخالفت است

آقا سید یعقوب - خیر با ماده



مدرس (پیشنهاد خودشان را پس می گیرند؟

مدرس - يك توضیحی دارم کویا سوءتفاهم شده است.

رئیس - ماده (۶۳) نظام - نامه داخلی اجازه نمی دهد باید برای بگیریم.

رئیس - حالا که قبول نکردند اصراری ندارم.

رئیس - پیشنهاد حاج میرزا اسدالله خان قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم کلمه «دیگر» در این عبارت که نوشته شده خدمت او بواسطه سلب تقویت و مساعدت دولت دیگر موجب سعادت مالیه ایران نخواهد بود حذف یا در اول این عبارت ذکر شود.

رئیس - توضیحی دارید بفرمائید؟ حاج میرزا اسدالله خان - بنظر بنده کلمه دیگر در اینجا زیاد است.

این است که پیشنهاد می کنم این کلمه حذف شود و اگر آقایان این کلمه را لازم می دانند لافل بعد از کلمه بعد از این قرار داده شود.

مخبر کمیسیون بودجه - اجازه می فرمایند در اینجا اصلاحات يك قدری پیچیده شده آقای رئیس الوزرا ماده را این طور اصلاح کرده اند مشروط بر اینکه دلائل متوجه خود را در انبساط این که دیگر بعد از این خدمت او بواسطه عدم تقویت و مساعدت دولت موجب سعادت مالیه ایران نخواهد بود.

و گمان می کنم مقصود تمام پیشنهاد کنندگان در این اصلاح تامین شده باشد.

رئیس - این اصلاحات بایستی در کمیسیون باشد.

اگر آقایان موافق باشند مجلس را تعطیل نمائیم تا این ماده در کمیسیون اصلاح شده و بعد در مجلس قرائت شود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده پنجم بعد از تبادل افکار بطریقی نوشته شده است که قرائت می شود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده پنجم - در صورتی که در مدت هجده ماه بجهت از جهات در حدود وظائف رئیس کل مالیه مساعدت و حمایت نشود مشارالیه می تواند بعد از انقضای مدت مزبور بکنترات خود خاتمه دهد مشروط بر اینکه دلائل کافی خود را در اثبات اینکه بعد از

این خدمت شخص او بواسطه عدم تقویت و مساعدت دولت موجب سعادت مالیه ایران نخواهد بود کتبا بوزیر مالیه و کابینه وزراء اظهار دارد و هیئت وزراء مراتب را بمجلس شورای ملی اطلاع داده حقوق ۶ ماهه مساعدت و مخارج معاودت بمشارالیه داده خواهد شد.

رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری شد)

رئیس - رای می گیریم بماده پنجم بهین قسمتی که قرائت شد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده ششم (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ششم - رئیس کل مالیه تحت تعلیمات قانونی و نظارت وزیر مالیه و با مراعات اصول مسئولیت وزراء کلیه امور مالیه آن را عهده خواهد شد. مشارالیه تحت هدایت قانونی و تصویب وزیر مالیه اختیار خواهد داشت که بودجه راتبه کرده و تشکیلات وزارت مالیه و تمام شعب آن و ادارات دیگر دولتی را که مستقیماً با جمع و محاسبه و پرداخت وجوه عمومی مربوط است اصلاحات نماید دولت ایران قبول می کند مطابق توصیه مشارالیه دائر بر ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین وزارت مالیه و تمام شعب تابعه آن و هم چنین مستخدمین ادارات دیگر دولتی که مستقیماً با جمع و محاسبه و پرداخت وجوه عمومی مربوط است اختیار نماید دولت ایران قبل از آن که راجع بکلیه مسائل مالی ایران اقدام و تصمیمی بکند بارتیس کل مالیه مشورت خواهد کرد و در هر مجلس یا کمیسیون که مربوط با اداره مالیه یا مسائل مالی منعقد شود مشارالیه بعد از وزیر مالیه مقدم خواهد بود و در کمیسیون یا مجلس بین المللی که راجع با امور مالیه تشکیل گردد بعد از وزیر مالیه مقام نمایندگی ایران را خواهد داشت

در باب امتیازات تجارتي و صنعتی رئیس کل مالیه طرف شور بوده می تواند عقاید خود را کتیباً یا شفاهاً بدولت اظهار نماید.

رئیس - لفظ تام را کمیسیون حذف کرده اند؟

مخبر کمیسیون قوانین مالیه - نداشت.

رئیس - در نسخه اصل لفظ تام دارد.

مخبر کمیسیون قوانین مالیه - در نسخه چاپی نبوده و در کمیسیون هم نظری در آن ندارند.

رئیس - در اصل تام دارد لذا در

این ماده هم اضافه می شود یعنی بعد از (اختیار) لفظ (تام) گذارده می شود دیگر این که کمیسیون پیشنهاد کرده است که بموض لفظ توصیه (نظریات) نوشته شود.

آقای دست غیب (اجازه)

حاج سید باقر دست غیب - بنده در صورتی که این ماده اختیار تام هم نداشت با این ماده مخالف بودم خصوص این که می فرمایند لفظ تام هم علاوه می شود ما دائم در صدیم که قانون استخدام از مجلس بگذرد ولی این لفظ اختیار تام يك اختیاری بر رئیس کل مالیه در عزل و نصب

اعضای می دهد که بکلی آن قانون استخدام را زیر پا می گذارند بنا بر این بعقیده بنده باید علاوه کرد بقسمی که مخالف قانون استخدام نباشد.

مخبر کمیسیون قوانین مالیه - مقدمه ماده را ملاحظه بفرمایند که می نویسد رئیس کل مالیه تحت تعلیمات قانونی و نظارت وزیر مالیه با مراعات اصول مسئولیت وزراء و بالاخره می نویسد تحت هدایت قانونی بنده سؤال میکنم تحت هدایت قانونی یعنی چه؟

یعنی قوانینی که از مجلس میگذرد مراعات اصول مسئولیت وزراء یعنی چه؟ یعنی باید مراعات مسئولیت وزراء را که عبارت از اجرای قوانین مملکتی است بنمایند بنا بر این هر اختیاری که بر رئیس مالیه داده می شود موافق قوانین مصوبه خواهد بود و اما این که می فرمایند لفظ تام زائد است.

عرض می کنم هنوز يك حد ثابتی بین تام و غیر تام در مجلس مبین نشده که ایشان با اختیار تام مخالف نمایند فقط لفظ نام از باب تأکید است.

رئیس - آقای کازرانی (اجازه)

آقای میرزا علی کازرانی - بعضی از عرایض بنده را که آقای دست غیب اظهار نمودند

بنده عقیده ام اینست که بعضی فقرات این ماده حکومت را از قانون بيك نفر مستشاری که استخدام می شود انتقال می دهد.

در این ماده دولت ایران قبول می نماید که عزل و نصب مأمورین و فلان و فلان را بمیل مستشار و گذار نماید. حالا اگر فرمایشات آقای مخبر را مانند قرار بدیم ایجاد تمارض در عبارت این ماده می نماید یعنی در ابتدا می گوید باید موافق قوانین مملکتی عمل نماید و در ذیل همان ماده می گوید مطلق العنان است و هر چه نظرش باشد پذیرفته می شود.

بعقیده بنده عبارت باید طوری نوشته

که جملاتش با هم موافقت داشته باشند نه معارضه در صورتی که این ماده عبارتش با هم معارض است مثلاً می خواهم بدانم این عبارت را که می گویم:

دولت ایران قبول می کند مطابق نظریه مشارالیه دائر بر ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین وزارت مالیه و تمام شعب تابعه آن و همچنین مستخدمین ادارات دیگر دولتی که مستقیماً با جمع و محاسبه و پرداخت وجوه عمومی مربوط است رفتار نماید و بکلی رابطه با عبارات فوق ندارد و بکلی مستشار مالیه را مطلق العنان می نماید چگونه باید تعبیر کرد.

بنده با این قسمت بکلی مخالفم و همچنین باز می گوید دولت ایران قبل از این که راجع بکلیه مسائل مالی ایران اقدام و تصمیمی بکند با رئیس کل مالیه مشورت خواهد کرد بنده نمی فهمم مشورت چه چیز است؟ آیا عبارت از این است که او را ذی دخل در امر رای محسوب دارند و رای او را اعتبار بدهند؟ یا اینکه خیر مشورت معمولی باشد؟ آیا بعد از اینکه اظهار رای کرد وزیر مالیه در رد و قبول آن مجاز است یا خیر؟

اگر مجاز است ذکرش اینجا لازم نیست و اگر مجبور باشد که رای او را اجرا کند پس وزیر مالیه چه کاره است و چه اختیاری دارد؟

بنا بر تمام این مقدمات بنده این عبارت را هم می مورد نمی دانم و عقیده دارم حذف شود.

مخبر کمیسیون قوانین مالیه - خوب است آقای کازرانی علاوه بر ملاحظه مقدمه ماده ششم يك ملاحظه هم بفرمایند ماده چهارم و دوازدهم بفرمایند ماده چهارم می گوید رئیس کل مالیه مشول وزیر مالیه است و تعهد می کند در ضمن ابقای وظایف خود تمام تعلیمات قانونی مشارالیه را اطاعت کند و نیز در ماده ۱۲ می گوید رئیس کل مالیه تعهد می کند که در هر موقع اقتدار قانونی وزراء را کاملاً رعایت کند.

ولفظ کنتی توسیونی را هم گذارده اند که محکمتر بشود با این حال بنده گمان نمی کنم بیشتر از این تیبودی لازم باشد که در این کنترات بگذاریم معلوم است رئیس مالیه باید تمام قواعد و قوانین مملکتی را که از آن جمله قانون استخدام است مراعات کند و کاملاً در این کنترات آن حدود مراعات شده است.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - عرایض بنده گفته شد.

**رئیس -** پیشنهاد آقای حائری زاده قرائت می شود.  
(بمضمون ذیل قرائت شد)  
**حائری زاده -** جمله از کمیسیون بامجلس بین المللی مالی مقام نمایندگی ایران را خواهد داشت زائدمیداند  
**رئیس -** توضیحی دارید؟  
فرمایند.

**حائری زاده -** عقیده دارم که در مسائل مثل بعضی از نمایندگان بقدری سوء ظن حاصل نمائیم که بگوئیم اصلاً برای مملکت مستشار لازم نیست و نه اینکه بقدری حسن ظن داشته باشیم که مستشارند بدهم راجع بمسائل مملکتی و سیاسی این قدر اختیارات بدهیم که اگر یک وقتی يك مجلس مالی بین المللی تشکیل شد مجبور باشیم نمایندگی ایران را با او بدهیم پس این عبارت لازم نیست که بمدا اگر خواستیم نمایندگی را با او بدهیم لیکن اگر برخلاف مصالح مملکت بود دیگر برای اینکار انتخاب نکنیم تا سیاست خارجی ما لطمه وارد نشود بنابراین لازم نیست که ما این اختیار را بطرز مسامحه با او بدهیم بلکه این عبارت را خوب است حذف کنیم

**رئیس -** آقای سلیمان میرزا عضو کمیسیون هستند؟  
**فصرت الدوله -** عضو کمیسیون خارجه هستند

**رئیس -** فرمائید  
سلیمان میرزا - این مسئله را که آقای حائری زاده پیشنهاد کرده اند کمیسیون نمی تواند قبول نماید والبته مغیر محترم کمیسیون دلیلش را اظهار خواهند نمود بلکه کمیسیون ذکر این جمله را واجب می داند زیرا در این قبیل مجالس مالی در هر کجا منعقد شود باید اشخاصی در آنجا حاضر باشند و مطلع باشند و متخصص در آن امر باشند و درست دقت نمایند به اینند صرفه و صلاح مملکت در اجرای آن مسائل است یا خیر؟ و بنده هیچ ضرری در این کار نمی بینم والبته مطالبی که در این نوع مجالس مطرح می شود باید مطابق ترتیب قانونی مملکت هیئت وزرا آنرا از تصویب مجلس بگذرانند و هر وقت مجلس آنرا تصویب کرد قانونی خواهد بود و چیزی نیست که فقط باظهار رئیس مالی لفظی باشد و اگر آقایان درست دقت فرمائید ملاحظه خواهند کرد که از حد لزوم زیادتر اعمال رئیس مالی تعهد شده است و اینکه آقایان می فرمایند اختیارات تام نباید با او داده شود بنده اختیاری درحقیقت برای او نمی بینم فقط و فقط اختیار دارد قانون را بدون استثناء اجرا نماید و بعد از اینکه این کلمات

تصویب شد توصیه دیگر رعایت نخواهد شد این اختیار که بنظر شما خیلی زیاد می آید فقط عبارت از این است که دیگر کاغذ پاره بنده اهمیت نداشته باشد و باید هم در ادارات احکام و قوانین بدون استثناء اجرا نشود بنابراین این اختیار ناقض آن توصیه نامه ها است

**رئیس -** رأی می گیریم پیشنهاد آقای حائری زاده آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند  
(عده قلیلی قیام نمودند)  
**رئیس -** قابل توجه نشد پیشنهاد از آقای حاج سیدالمحققین رسیده است (بمضمون ذیل قرائت شد)  
در ماده شش بنده پیشنهاد می نمایم عوض کلمه عزل انفصال نوشته شود (سیدالمحققین)

**رئیس -** توضیحی دارید؟  
فرمائید.  
سیدالمحققین - نظر بنده این است در صورتی که مستخدم موافق قوانین اداری عمل نکرد عزل ندارد و نهراً منفسل است ولی اگر موافق قوانین اداری عمل کرد باز هم عزل معنی ندارد

**رئیس -** رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای حاج سیدالمحققین آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)  
**رئیس -** قابل توجه نشد پیشنهاد آقای نظام الدوله قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت می شد)  
بنده پیشنهاد می کنم لفظ تام برداشته شده (نظام الدوله)  
**رئیس -** توضیح بدهید  
نظام الدوله - بنده در همین این که با تمام فرمایشات شاهزاده سلیمان میرزا موافقم برای این که از لفظ تام بدهم سوء استفاده نشود پیشنهاد می کنم تمام حذف شود.

**رئیس الوزرا -** بنده حذفش را قبول نمی کنم.

**رئیس -** رأی می گیریم پیشنهاد آقای نظام الدوله آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند  
(عده قلیلی قیام نمودند)  
**رئیس -** قابل توجه نشد پیشنهاد آقای سید یعقوب قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)  
بنده پیشنهاد می کنم عوض هدایت قانون نوشته شود حدود قانونی

**رئیس -** توضیحی دارید؟  
فرمائید.  
آقا سید یعقوب - گمان می کنم لازم بتوضیح نباشد هدایت قانونی معنی ندارد حدود قانون باید نوشته شود

**رئیس -** رأی می گیریم پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند  
(عده قلیلی قیام نمودند)  
**رئیس -** قابل توجه نشد

آقا سید یعقوب - اجازه می فرمائید؟  
یک سؤال دارم  
**رئیس -** فرمائید  
آقا سید یعقوب - در این ماده نوشته شده است در باب اختیارات تجارتنی و صنعتی خوب است توضیح بدهند که مقصود از این عبارت چیست زیرا در مملکت صنعت و تجارت آزاد است

مغیر کمیسیون بودجه - امتیاز تجارتنی و صنعتی برای توصیف امتیازات مختلفی است که داده می شود بنابراین مقصود امتیاز انحصاری تجارت نیست

مثلاً فرض کنید يك امتیازی می دهند بیک شخص برای کارخانه چراغ برق یا کبریت سازی یا نطف و غیره اینها باید بنظر رئیس مالی باشد  
**رئیس** این مطلب را باید متوجه باشید که بعد از قرائت پیشنهادات دیگر حق مذاکرات ندارید پیشنهاد دست قیام قرائت می شود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)  
بنده پیشنهاد می کنم بعد از (رفتار نماید) نوشته شود در حدود قانون استخدام

(دست قیام)  
**رئیس -** توضیح بدهید  
حاج سید محمد باقر دست قیام از عبارت این ماده معلوم می شود که قانون استخدام هم منظور شده است  
کما اینکه آقایانی که دفاع می فرمایند تصدیق خواهند کرد که عبارت (مطابق تعلیمات قانونی) یا هدایت قانونی خیلی مجمل است و عقیده ندارم که این عبارت برساند که قانون استخدام باید رعایت شود لذا لازم می دانم بعد از لفظ رفتار نماید اضافه شود در حدود قانون استخدام  
**رئیس -** آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - گمان می کنم این مسئله مکرر گفته شده و هنوز آقایان درست ملتفت نشده از آقای مغیر کمیسیون قوانین مالی ماده دوازدهم را خواندند و در ماده قید شده است رئیس کل مطابق قوانین مملکت مشروطیت و غیره باید اعمال خود را به جریان بیندازد مگر قانون استخدام بعد از تصویب مجلس از قوانین مشروطیت خارج است؟

بنابراین صحیح نیست تمام قوانینی را ذکر کنیم اگر اینطور باشد باید بنویسیم قانون مشولیت وزراء قانون استخدام قانون محاسبات و قانون فلان و فلان لذا بنده بدو آن عقیده ندارم

**رئیس -** رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای دست قیام آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند  
(کسی قیام ننمود)

**رئیس -** قابل توجه نشد رأی می گیریم بماده ششم بترتیبی که قرائت شد آقایانیکه ماده ششم را تصویب می کنند قیام فرمایند.  
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)  
**رئیس -** تصویب شد ماده هفتم (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده هفتم - رئیس کل مالی برای ایجاد منافع هایدات تازه و افزودن حسن جریان ادارات یا شعب مختلفه از قبیل نظارت محاسبات و استعمال وجوه عمومی و صرفه جوئی از مخارج عمومی و بطور کلی بجهت مساعدت عبارت مالی و اقتصادی ایران لوابیح قانونی برای تصویب بدولت ایران پیشنهاد خواهد کرد و بطوریکه ممکن است در تزئید و توسعه و جلب و بکار افتادن سرمایه خارجی برای رفع بحران اقتصادی ایران از هر بابت منتهای کوشش را خواهد کرد

**رئیس -** آقای تدین (اجازه)

تدین - مقصود بنده اصلاح عبارتی است و عقیده ام این است که بجای جمله (بکار افتادن سرمایه) بکار انداختن سرمایه نوشته شود والبته این ترتیب اصح است

مغیر کمیسیون قوانین مالی - ضرری ندارد قبول می کنم  
**رئیس -** پس رأی می گیریم بماده هفتم با تبدیل لفظ (افتادن) بانداختن آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)  
(بطریق ذیل قرائت شد)

**رئیس -** تصویب شد ماده هشتم ماده هشتم - دولت ایران بدون تصویب کتبی وزیر مالی و رئیس کل مالی مطلقاً تمهید مالی نخواهد کرد و همچنین دولت تمهید می کند که هیچ مجارج دولتی یا انتقال وجوه عمومی نخواهد شد مگر بامضای وزیر مالی و تصدیق رئیس کل مالی

**رئیس -** آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بنده با این ماده کلیه مخالف خصوصاً با کلمه (تمهید) که دولت نسبت بر رئیس مالی تمهید می کند دولت تمهید نامه با کسی نمی بندد و تصور می کنم این کلمه دولت را برهون می نماید و علاوه تمهید مالی را باید دولت پیشنهاد بمجلس کند و بعد از اینکه مجلس تصویب کرد بموقع اجرا گذارده شود و با این ترتیب بکلی اختیار از دست دولت گرفته میشود دولت را مسلوب الاختیار میکند و همچنین بکسومت از اختیارات مجلس را هم که بموجب قانون اساسی بمجلس داده

شده شاید بگیرد و باین جهت بنده عقیده ندارم که بیک مستشاری اینطور اختیارات تام داده شود

رئیس الوزراء - بمقیده بنده این يك امر مسلمی است که اگر در این کتبرات هم نوشته نمیشد می بایستی عمل شود بجهت اینکه مطلقاً هیچ دولتی نباید تعهد مالی بکند مگر با اطلاع وزیر مالیه زیرا اگر يك دولتی بدون

اطلاع وزیر مالیه تعهد مالی بکند با این حال چگونه میشود وزیر مالیه مسئولیت وزارت خودش را عهده دار شود اما راجع بمستشار وقت دولت يك مستشاری را اجیر میکنند وزیر دست وزیر مالیه می گذارد البته وزیر مالیه باید راجع باین مسائل با او مشاوره نماید و با اطلاع او يك مسئله را تصویب کند بنابراین بنده این عبارت را لازم می دانم و باید این ماده بهمین ترتیب که نوشته شده باقی باشد

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)  
حاج میرزا مرتضی - مراض بنده گفته شد

رئیس - رای می گیریم بماده هشتم آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده نهم (بترتیب ذیل قرائت شد)

ماده نهم - رئیس کل مالیه یا معاونین او معین نمایند بتمام اسناد و دفاتر واحکام و قوانین و تمام کتب و دفاتر محاسبات راجع باداره مالیه ایران و بهر يك از شعب آن و راجع بجمع عایدات و محافظت و تمديه و جوه عمومی هر وقت دست رسی تا محدود خواهد داشت

مخبر کمیسیون قوانین مالیه - در کمیسیون همیشه را مبدل بهمه وقت کرده اند

رئیس - کمیسیون که لفظ هر وقت را مبدل همیشه کرده است

مخبر کمیسیون قوانین مالیه - ابتدا در اصل نسخه که دولت هر وقت نوشته بود کمیسیون هر وقت را مبدل همیشه نموده ولی در موقع تنس مذاکره شد که همیشه را بهمه وقت تبدیل نمایند

رئیس - رای می گیریم بماده (۹) با تبدیل هر وقت بهمه وقت آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دهم (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده دهم - رئیس کل مالیه هر ۳ ماه راپورت عملیات خود را در باب امور مالیه بدولت ایران تقدیم خواهد کرد مکاتبات رسمی و دفاتر حساب باید فارسی باشد

رئیس - آقای اقبال السلطان

(اجازه)

اقبال السلطان - با قید اینکه دفاتر فارسی تنها باشد بمقیده بنده تقش محاسبات برای مأمورین مشکل خواهد بود بنده عقیده دارم يك زبان دیگری هم که کاملاً می دانند منظور شده و دفاتر بآن زبان نوشته شود تا تقش کاملاً بعمل آید

مخبر کمیسیون قوانین مالیه - مقصود از این دفاتر که اسم برده شده دفاتر رسمی وزارت مالیه است ولی ممکن است آنها برای خودشان دفاتر بزبان فرانسه یا انگلیس اگر بخواهند ترتیب بدهند ولی دفاتر رسمی وزارت مالیه ایران بفارسی باید باشد

رئیس - آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده در جواب آقای اقبال السلطان عرض میکنم که بهترین مواد این کتبرات نامه همین ماده است در این صورت چه طور اعتراض میفرمایند؟

رئیس - مخالفی نیست؟

(اظهاری نشد)

رئیس - رای می گیریم بماده دهم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده یازدهم - تمام مستخدمین خارجه برای مالیه من بعد با تصویب رئیس کل مالیه اجیر و مسئول او خواهند بود

حائری زاده - بنده در موضوع ماده نهم که نوشته شده بود در رئیس مالیه یا معاونین آن عرض کردم يك چیز لاستیکی است و هم چنین در این ماده که می نویسد مستخدمین خارجه که از دول خارجه استخدام میشوند در تحت نظر رئیس مالیه خواهد بود آنرا هم گنگ می دانم

مخبر کمیسیون قوانین مالیه - بنده نفهمیدم که مقصود آقای حائری زاده این است که اینجا قید نشده از چه ملتی باشد؟

حائری زاده - اصلاً شرط ندارد گنگ است

مخبر - همه شرایط را که نباید در این ماده قید نمود معلوم است استخدام مستخدمین خارجه باید بتصویب دولت و مجلس باشد و ملیت او را مجلس و دولت معین میکنند خودش که نمی تواند مستقلاً مستخدم بخواهد

رئیس - آقای رفعت الدوله

(اجازه)

رفعت الدوله - بنده در ماده یازدهم از این نقطه نظر - مخالفت می نمایم که در استخدام مستخدمین خارجه که اختیار کل بر رئیس مالیه داده شود و وزیر هم اختیاری ندارد خوب است يك

اختیاری هم بوزیر داده شود و اگر این ماده باین ترتیب تصویب شود گمان میکنم رئیس مالیه مستخدمین خارجه را زیادتر از مستخدمین ایرانی استخدام نماید اگر چه در ماده سیزده می نویسد که رئیس کل مالیه تعهد می نماید که ایرانیان را بتجربیات محلی در شعب مختلفه مالیه تربیت نماید تا بتدریج مشاغل مهمه بآنها سپرده شود ولی با وجود این ماده هم بنده قانع نیستم و باید در همین ماده یازدهم يك اختیاری هم بوزیر داده شود نه اینکه اختیار دار کل فقط رئیس مالیه باشد

وزیر مالیه - معمولاً مستخدمین خارجه که بایران می آورند همیشه بکنفر بسمت رئیس مسیون یا بسمت رئیس آن هیئت معین میکنند که ترتیب دادن کتبرات آنها بتصویب آن رئیس باشد و البته در موقعی که آن رئیس می خواهد کتبرات آنها را تجدید یا نقص کند یا مقامات مربوطه مشغول مذاکره می شود باید آن مقامات رای بدهند ولی اگر بخواهند آنها را تابع آن يك نفر رئیس خودشان بکنند بکلی از ترتیب و نظم خارج است و البته برای حفظ نظم لازم است که این مستخدمین مسئول رئیس باشند همانطور که برای بلژیکی ها و سوئدی ها تا حالا معمول بوده و برای حفظ نظم اداری این یکی از جهات لازمه است

رئیس - آقای کازرانی

(اجازه)

آقای میرزا علی کازرانی - مسلم است قانوناً تصویب کتبرات مستخدمین منحصراً بمجلس است آنجا هم آقایان فرمودند که در بعضی از موادش تصریح دارد که باید رئیس مالیه متابعت قانون را بکند ولی مع هذا اینجا صریحاً میگوید بتصویب رئیس کل مالیه باشد پس اگر بتصویب مجلس باید باشد

تصویب رئیس کل مالیه چه معنی دارد؟ بملاوه شاید این رئیس يك اشخاصی را تصویب کند که ما صلاح ندانیم

آنها را قبول کنم یا اشخاصی را از دولتی انتخاب کند که ما نخواهیم در هر صورت نباید يك عبارتی که تولید اشکال میکند در اینجا ذکر بشود و بالاخره بنده هم مجبور شدم برخیزم و مخالفت کنم بنابراین خواهش میکنم يك عبارات که تولید اشکال میکند در اینجا ذکر بشود و بالاخره بنده هم مجبور شدم برخیزم و مخالفت کنم

بنابراین خواهش میکنم يك عبارات ساده تری که تولید این اشتباهات را نکند اینجا نوشته شده  
مخبر کمیسیون خارجه - وظیفه مدافعین خیلی مشکل شده  
برای اینکه معترضین مطالب را تکرار میکنند و هیچ منطقی را قائل نمیشوند

این ماده یازدهم را ملاحظه فرمایند می نویسد:

تمام مستخدمین خارجه با تصویب رئیس کل مالیه استخدام میشود

این خیلی واضح است مگر شما بفرمایید از این دکتر میسوی خیال ندارید مستخدم دیگری برای مالیه بیاورید

حالا که کتبرات این شخص را جلو انداخته و کتبرات او را قبلاً بمجلس آورده و تصویب میکنند آیا بعد از اینکه دکتر میسوی را اجیر کردید آیا صلاح میدانید اشخاصی را که دولت میخواهد بیاورد و زیر دست او بگذارد که در این مملکت مشغول اصلاحات شوند بدون تصویب او بیاورند؟

فرض فرمایید که دولت بکنفر مستخدمی را خداست بیاورد وزیر دست او بگذارد اگر از يك مملکتی باشد که اورا ضعیف نباشد یا يك امریکائی باشد که او عمل او را تصدیق نداشته باشد آنوقت چه باید کرد؟

پس اختیارات او راجع باین قسمت است و چنانچه آقای وزیر جواب دادند حفظ طبقه بندی و نظم را باید کرد علاوه مسئول بودن رئیس مالیه رفع اختیار از وزیر مالیه میکند چون خود مستشار هم مسئول وزیر مالیه است

رئیس - مذاکرات کافی است آقایانی که ماده یازدهم را تصویب می نمایند قیام فرمایند

اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد ماده دوازدهم بمضمون ذیل قرائت شد

ماده دوازدهم - رئیس کل مالیه تعهد میکند از امور مذهبی و سیاسی و تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجه اجتناب نماید رئیس کل مالیه تعهد میکند در ضمن ایفاء وظائف خود در هر موقعی قانون ایران و اقتدارات قانونی کنس تی توسیون وزراء را کاملاً مراعات و احترام نماید

رئیس - در این ماده که مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)

آقایانیکه ماده دوازدهم را تصویب میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سیزدهم (بشرح آتی قرائت شد)

ماده سیزدهم - رئیس کل مالیه متعهد است ایرانیان را بتجربیات محلی در شعب مختلفه مالیه واداشته تربیت نماید و هر کدام تجربیات و عملیات لازمه را تکمیل کرده شایستگی حاصل نمودند بر خارجی برتری و رجحان دهد تا بتدریج مشاغل مهمه در ادارات بایرانیان سپرده شود مگر اینکه رجحان آنها صریحاً با صریحاً جویی و حسن اداره مالیه منافی باشد  
رئیس - مخالفی نیست؟

گفته شد خیر

رئیس - رأی میگیریم بماده سیزده اگر تصویب می نماید قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند) رئیس - تصویب شد. ماده چهاردهم ( آقای منتصر الملك بترتیب ذیل قرائت نمودند

ماده چهاردهم - بر رئیس کل مالیه حق داده میشود که در امریکا برای ۳ سال یا کمتر یک نفر عالم احصائیه و یک نفر منشی امریکائی که زبان فرانسه بداند و یک نفر محرر اجیر کند و این ۳ نفر منحصر برای او خواهند بود و حقوق و مخارج آنها را دولت ایران خواهد داد بملاوه عده کافی مستخدمین ایرانی که قابل و کاملاً متعهد باشند برای حوائج ادارات مخصوص رئیس کل مالیه از طرف دولت معین خواهد شد و تحت اطاعت مشارالیه خواهند بود رئیس کل مالیه می تواند در مواقیکه مسائل مالی مطرح است در هیئت وزراء حضور بهم رساند

رئیس - آقای اقبال السلطان ( اجازه ) اقبال السلطان - اینجا که نوشته شده است رئیس کل مالیه در هیئت وزراء حضور خواهد داشت معلوم نیست وقتی که حضور بهم میرساند مستمع آزاد خواهد بود یا در مذاکرات شرکت خواهد داشت ؟ و اگر در مذاکرات شرکت دارد آیا رأی او تأثیری خواهد داشت یا خیر

مخبر که بیسیون وزارت مالیه - اگر بدبینی بظاهر عبارت را کنار بگذاریم معنی عبارت پرواضح است برای اینکه رئیس کل مالیه خیلی متخصص است و یک معلومات و اطلاعات و تجربیاتی دارد که وقتی هیئت وزراء میخواهند راجع بیک مسئله مالی مذاکره کنند لازم است رئیس کل مالیه حاضر باشد تا عقاید خودش را راجع بمسائل مالی اظهار بکند و این واضح است که برای اظهار نظریات حضور او را نداشته اند و دیگر لازم نبود که نوشته شود حق رأی دارد یا ندارد. البته حق مذاکره لازم حضور است.

رئیس - آقای گازرانی ( اجازه ) گازرانی - بنده امیدوارم حضرت والا این دفعه را هم نفرمایند هر کس مخالفت بکند برخلاف منطق است هر کس عقیده اش پیش خودش محترم است و هنوز هم بایک امتحانات فوق العاده نداده ایم هم چنین حضرت والا و همین طور سایرین که معلوم شود رأی کدام قاطع است در اینجا حق داده میشود که رئیس مالیه چند نفر بجهت خودش استخدام کند پس از اینکه این اجازه تصویب شد شاید یک عده را بایک مخارج و مواجب زیادی پیشنهاد کرده دولت ایران از روی چه منطقی می تواند بگوید مواجب

آنها زیاد است این است که بنده عقیده دارم که باید یک قید و شرطی بشود و شروط آن بمعهده وزارت مالیه یا مجلس شورای ملی گذارده شود و یک سنواتی هم دارم و مقصودم راجع بعقودشان است و آن این است که فرق بین منشی و محرر چیست؟ و خواهش می کنم جواب بدهند

مخبر که بیسیون بودجه - بنده مخالفتی با آزادی عقیده هیچ کس ندارم اینکه گفتم این بود که گفتم آقایان قبول منطقی نمی کنند و همانطور که عقیده جنابمالی آزاد است عقیده بنده هم در آنچه عرض کردم آزاد است اما سؤالی که می فرمایند تفاوت محرر و منشی این است که مقصود از محرر ( اکتسیلگراف ) است یعنی ماشین نویس و نفواسته اند لفظ ماشین زن را بنویسند راجع بمسئله حقوق هم باز بنده را مجبور بترکیر مطلب می کنند اگر این حقوق را دولت ایران بدهد ناچار باید هیئت دولت بتصویب مجلس رساند این دیگر محتاج بسؤال نیست پس چرا این سؤال را می کنید؟

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی ( اجازه )

حاج میرزا مرتضی - در موضوع این مستشار می فرمایند متخصص است و دکتراست و وجودش در مالیه لازم است. اما در خصوص محرر و منشی که اینطور نیست آنها در همین جا هم ممکن است استخدام شوند و لازم نیست از آنجا کترات کنند و بیاورند

رئیس - آقایانی که ماده چهارم را تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده یازدهم

(بمضمون ذیل قرائت شد) ماده یازدهم - حقوق و حدود اختیارات رئیس کل مالیه از قرار است که در چهارده ماده فوق مذکور شده است شرایط فرعی کترات رئیس کل مالیه بنظر دولت واگذار میشود مشروط بر اینکه شرایط فرعی خارج از حقوق و حدود اختیارات فوق میشود بار سوم وعادات و قوانین مملکتی منافاتی نداشته و امتیازاتی که از حیث رتبه منظور میشود بیش از آنچه در فوق ذکر شد نباشد

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی ( اجازه )

حاج میرزا مرتضی - یک کلمه اضافه بنده لازم میدانم اینجا که می نویسند قوانین مملکتی قوانین مذهبی را هم اضافه نمایند

رئیس - آقای تدین ( اجازه )

تدین - بنده تعجب می کنم و با

این قید بکلی مخالفم مملکت اسلامی قانونش معین است مطابق قانون مذهبی است ماد و قانون که نداریم که بنویسیم قانون مملکتی و قانون مذهبی

رئیس - پس رأی می گیریم بماده یازدهم آقایانی که ماده یازدهم را تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد یک ماده دیگر هم که بیسیون قوانین مالیه پیشنهاد کرده است که ماده شانزدهم میشود. قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد) ماده شانزدهم - اختیاراتی که بر طبق ماده فوق بدکترا ملیسو داده شده است بدون تصویب مجلس شورای ملی به دیگری واگذار نخواهد شد

رئیس - در این ماده که ملاحظاتی نیست؟

(اظهاری نشد) رئیس - رأی می گیریم بماده (۱۶) آقایانی که ماده (۱۶) را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. یک ماده دیگری هم حاج نصیر السلطنه پیشنهاد کرده اند قرائت میشود

(بشرح آتی قرائت شد) ماده هفدهم - مواد شش و هشت و

یازدهم پس از ورود رئیس کل مالیه بموقع اجرا گذارده خواهد شد مگر اینکه دولت لازم بداند در مسائلی که مشمول مواد مزبوره است قبلاً به مشارالیه مراجعه نماید.

رئیس - آقای حاج نصیر السلطنه ( اجازه )

حاج نصیر السلطنه - مواد مصوبه امروز قانونی است که راجع بامور مالیه از مجلس شورای ملی می گذرد چون تا موقعی که رئیس کل مالیه وارد ایران بشود شاید سه ماه یا چهار ماه طول کشید و شاید تا موقع ورود او برای دولت احتیاجاتی پیش بیاید و دوچار مشکلات بشود بنابراین بنده اینطور لازم میدانم که این ماده اضافه شود که سبب مشکلات نشود. بملاوه رفقای محترم فراکسیون هم موافقت

مخبر که بیسیون - کمیسیون هم قبول کرده

رئیس الوزراء - دولت هم قبول می کند

رئیس - کسی مخالف نیست؟ (اظهاری نشد)

رئیس - مجدداً قرائت میشود رأی می گیریم

(بشرح ذیل قرائت شد) ماده هفدهم - مواد شش و هشت و

یازدهم پس از ورود رئیس کل مالیه بطهران بموقع اجرا گذارده خواهد شد مگر این که دولت لازم بداند در مسائلی که مشمول مواد مزبوره است قبلاً به مشارالیه مراجعه نماید.

رئیس - رأی می گیریم باین ماده بترتیبی که قرائت شده آقایانی که ماده هفدهم را تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مذاکرات در کلیات است آقای دستغیب ( اجازه )

حاج سید محمد باقر دستغیب با اینکه قطع دارم این مواد گذشته کلیات و جزئیاتش هم گذشته آقایان هم تصویب کرده و خواهد گذشت و باوجود اینکه قطع دارم هوا گرم است و همه آقایان میخواهند نطق من مختصر باشد و زود بروند ولی با وجود این ناچارم دو مطلب را عرض کنم یکی اینکه بنده عموماً بالفاظ رئیس بیشتر مخالفم تا مستشار علاوه بر این رئیس یا مستشار را که ما میاوریم برای چه می آوریم؟ در اینجا یک جملاتی گفته شد که بکلی این جملات خارج از موضوع است یکی اینکه گفته شد اینها را می آوریم که کار در مملکت پیدا بشود این مطلب از موضوع خارج است یک جمله دیگر هم گفته شد که مستشار را می آوریم برای این که به بیکارها کار داده شود این هم از موضوع خارج است فقط اینجا دو جمله است آقایان را باین دو جمله متذکر می کنم یکی اینکه از آوردن مستشار امور اصلاح نخواهد شد چرا؟ برای اینکه مادامی که مالیات از عایدات مملکت گرفته نشود هر کس بیاید و هر ترتیبی بدهد همینطور است که حالا است نهایت این است که شاید اسم را عوض میکنند مثلاً اسم خزانه داری را بر میدارند و صندوق داری میکنند ما این مستشار را که می آوریم برای این است که جمعشان زیادتر شود برای اینست که بقایایمان را وصول کنیم کما اینکه شاهزاده در انتهای نطقشان فرمودند می آوریم که ورق پاره ها را بخوانند می آوریم برای اینکه اخلاق ما را درست کند حالا عرض میکنم بهمان دلیل و منطقی که آقایان میفرمایند مستشار لازم است بنده عرض می کنم لازم نیست برای اینکه طرز رفتار و حرکات و اخلاق و عادات ما طوری است که اگر بیک نفر کلاه لگنی نشسته باشد پشت میز کمتر توصیه برای او میفرستند بهمین دلیل بنده عرض میکنم چون عاقبت ما این است همین ترتیب روزی خواهد آمد که این مستشار بیک ترتیب خیلی بدی جلوه کند بنده حالا مثل میزنم بشوشر همانطور که یک روزی ما با یک قلب پاک و با یک حالت خوشی او را آوردیم

وتصویب کردیم ولی دیدیم بعد چه انعکاساتی پیدا کرد و چه انقلاباتی پیش آمد که شوستر را از مملکت بیرون کردند اخلاق و عادات ما همان است هیچ فرق نکرده ایم پس بهمین دلیل که عرض کردم یکروزی هم خواهد آمد که برای این شخص انعکاسات سوء پیدا میشود

( بعضی نمایندگان انشاءالله نمیشود ) حاج سید محمدباقر - بنده هم معتقدم که انشاءالله نمیشود ولی انشاءالله باید اخلاق را تصحیح کرد انشاءالله باید توصیه را کم کرد انشاءالله بایستی وقتی که انسان میخواهد قانون بگذارد نظر باخلاق محیط خارج از خودش هم بکند یعنی فقط نظر باخلاق خودش نکند نظر باخلاق آقایان خارج از مجلس هم بکند بنده عرض میکنم این مستشار می آید بایک اختیار تامی آنوقت چه میکند؟ مالیات یا بقایا را که میخواهد بگیرد بچه ترتیب میگیرد؟ او که همراهش قوه نمی آورد مستشار می آید که آدم از همینجا سرکار بگذارد که آدم همراه خود نمیآورد پس وقتی این مستشار آمد مأمور همان مأمور است فقط یک نفر رئیس پشت میز اضافه میشود ولی مأمور همان است که بوده رئیس مالیه شیراز و اصفهان همان است که هست تا بین های آنها هم همانها هستند که بوده اند .

استجیر بالله بنده عرض نمیکنم مأمورین میشود نسبتی داد و حرفی درباره آنها زد ولی عرض میکنم هیچ فرقی نمیکند او که نمی آید مأمور عوض کند مأمورین همانها هستند حالا میفرمایند زیر دست او تربیت میشوند خیر اینطور نیست پس عقیده بنده مادامیکه مالیات از روی عایدات نیست رئیس کل و رئیس جزیه هر کس باشد اینطور است فقط چیزی که هست این است که میگوید فلان میرزا در عوض فلانکس باشد و یک اسمی هم روی او میگذارند وزیر مالیه - جلسه امروز مجلس بمقیده بنده سزاوار آن است که جشن بگیریم زیرا آقایان و آئینانی که در دوره دوم در مجلس بودند یا در خارج بودند میدانند در یک شبهای که در تحت فشار آن اولتیماتوم مستخدمین امر یکسانی را خارج کردیم و یک حق ثابت دولت ایران را بزور از ما گرفته چه وضعی داشتیم الحمدالله بنده خودم را عرض میکنم و یقین دارم که سایرین هم با من حرکت خواهند داشت که دیدیم یکروزی را که حق خودمان را پس گرفتیم یعنی یک مستخدم آمریکائی بایک اختیار زیادی مجلس شورای ملی دو مرتبه استخدام کرد و الحمدالله که دیدیم امروز با همین رأی تلافی کردیم آنچه را که در گذشته بسر ما آورده بودند ولی آنچه از گذشته تجربه حاصل کردیم باید امروز بکار ببریم اولاً مستشار را دیگر نباید به

گذاریم در آن سیاست بازیها بکشند که باز یک بلائی دیگری بر ما بیاورند حفظ مستشار بدست ما است آوردن مستشار خیلی آسان است ولی معافظت کردن او خیلی مشکل است و دولت که بکسی از مسائل مهمه پر گرام خود را استخدام مستشار قرار داده و در قدم اول استخدام مستشار را فرار داده معتقد است که باید مستشار را کاملاً معافظت کرد و اسباب کار او را از هر حیث فراهم نموده و برای این کار یکی یکی معایب امور مالیه را در نظر می گیرد و اسباب اصلاح آنرا با موافقت مجلس شورای ملی فراهم می کنند بعد که مستشار چهار یک اشکالات عمده نشود همه آقایان نمایندگان واسطه تظلمات و شکایاتی هستند که از موکلین محترمشان از ولایات بواسطه رفتار مأمورین مالیه میرسد ولی وقتی که رسیدگی میشود این کارها در عین اینکه باید تصدیق کرد که جز ظلم چیزی نیست از آنطرف هم مأمور مالیه تقصیری جز انجام وظیفه نکرده است و این خیلی بد است که تصدیق بکنم ظلم است ولی هیچ مسؤلیتی هم بکسی وارد نمی آید این برای این است که اساس مالیه ما بر هیچ چیز برقرار نیست یک اصولی در هشتاد و چند سال قبل از روی یک جزء جمع هائی نوشته اند مالیاتی را بر املاک تعمیم کرده اند که حالا با هیچ چیز مطابقت نمیکند بر روی سرمایه است نه بر روی عایدات و البته معلوم است در ظرف این چند سال تغییرات کلی پیدا شده در مالک متدنه که تمام اصول مالیه خودشان را مثل سایر امور خود مرتب کرده اند هر ده سال یکبار تجدید ممیزی میکنند ولی ما بدون هیچ ملاحظاتی مالیاتی را که صد سال قبل برقرار شده امروز میخواهیم از روی همان اصول از مردم بگیریم نتیجه این می شود که روز بروز بر ارقام بقایای دولت اضافه می شود و مردم هم متصل در صدمه و اذیت هستند در صورتی که در موقعی که این مالیات ها وضع شده خیلی عادلانه بوده زیرا در بعضی از نقاط اگر ملاحظه شود دقایقی را در نظر گرفته بودند مثلاً در اصفهان نقاطی را که طرف مغرب بوده کمتر مالیات می داده اند تا آئینانی که در طرف مشرق بوده اند برای اینکه آنها وقتی صبح بشهر می آمده اند آفتاب در مقابل چشمشان بود و موقعی که مراجعت میکردند همین طور بود آفتاب را در مقابل خود می دیده اند اما سکنه نقاط شرقی چون در هر دو حال پشت با آفتاب بوده اند بیشتر مالیات می پرداخته اند حالا طول مدت طوری شده است که این مالیاتها یکبار سنگین شده و جز ظلم اسم دیگری نمیشود روی او گذاشت و این اولین قدمی است که باید آقایان نمایندگان در راه اصلاح مالیات بردارند این است که مستشار را از مواجه شدن بایک کشمشها و زود خورد هائی

حفظ کنند و برای اینکه از زمینه هائی که برای اختلاس تهیه شده جلوگیری شود و مطمئن شویم آنچه از جیب مالیات بده بیرون می آید عیناً بجزایره دولت وارد می شود از کمیسیون محترم قوانین مالیه درخواست میشود که از روز شنبه بخودشان زحمت بدهند و طرح قانونی ممیزی را مطرح کنند و زود تر بمجلس تقدیم نمایند زیرا تا وقتی که تکلیف دولت معلوم نیست که از روی چه اساسی باید از اهالی مالیات بگیرد هیچ وقت این اختلافات مرتفع نخواهد شد و مستشار مالیه هم که وارد بشود با همین زد و خورد ها مواجه خواهد شد تا جزء جمع صحیحی تهیه نشده ام از اینکه مدرک صحیحی در دست باشد یا نباشد نمیتوان مطمئن بود که از روی عدالت مالیات گرفته می شود این است که اگر هفته سه روز یا چهار روز هم باشد بایستی آقایان بخودشان زحمت بدهند و از تصویب این لایحه یک بار گرانی را از دوش مردم برداشته تا بیش از این دولت در فشار نبوده و مردم هم تحت تعدی نباشند و مستشار هم که وارد می شود با یک دستور ثابتی مشغول کار بشود و لوابی بهیشت رئیس تقدیم شده و اکنون نیز تقدیم میشود اول مالیات ممیزی است که از کمیسیون قوانین مالیه گذاشته است .

قسمت دوم راجع بخواصجات انتقالی است که صاحبان آنها مورد یک فشارها و تعدیات زیادی هستند غالباً بوزارت مالیه می نویسند که ما حاضریم املاک خودمان را بدوالت واگذار نمایم ولی متأسفانه وزارت مالیه نمی تواند در مقابل تقاضای آنها جواب مساعدی بدهد و ناچار است که بطرز قدیم از آنها مطالبه مالیات بنماید قسمت ثالث راجع بمالیاتها و عوارض است که دو سه سال قبل برقرار شده است گرچه زمینه آن از سابق مرسوم بوده ولی در این چند ساله یک تغییرات در آنها پیدا شده و فوق العاده اسباب زحمت مردم شده است و بنده هم عقیده ندارم مالیاتی که از تصویب مجلس نگذشته است از مردم مطالبه شود و البته باید لوابی آن بمجلس آمده و از تصویب مجلس بگذرد این است که لوابی قانونی نواقیل و ذبایح و مستغلات را که دولت تجدید نظری در آن نموده تقدیم میکنم و از کمیسیون محترم استندها میکنم که یکی دو فقره از این لوابی را که خیلی اهمیت دارد مقدم داشته و از تصویب مجلس بگذرانند تا بعد از یک مدت متمادی بواسطه زحمات مجلس شورای ملی دولت و مردم از زیر یک فشارها و تعدیاتی خارج شوند راجع بقانون مستقلات هم که عرض کردم در مجلس سابق قانونی وضع شده لیکن همان طور که غالباً ملدا کرده می شود مالیات مستقلات را مجلس سابق اختصاص بهانه های اجاره داده است در صورتی که در ایران هر کس اندک استطاعتی داشته باشد برای

خود یک خانه ملکی تهیه نموده و خانهای اجاره فقط متعلق باشخاص است که استطاعت خرید خانه ندارند قانون سابق این طبقه از مستأجرین را زیر بار مالیات برده و خانه های بزرگ و پارکهای خیلی وسیع که از نظیف و تأمینات شهری بیشتر استفاده می کنید معاف داشته ولی در این لایحه فعلی دولت اینطور صلاح دانست که آن طبقه را زیر قانون مستقلات بیاورد تا آنها هم مالیاتی داده باشند

راجع بکنترات رئیس کل مالیه باز تجدید می کنم که آقایان باید خیلی خوش وقت باشند که این جلسه امروز را دیدند و تلافی شد آن جلسه را که در دوره دوم راجع بهمان مستشار مالیه دیدیم و امروز موفق شدیم که لایحه کنترات مستشار را تصویب نمایم آقای دست غیب فرمودند این توصیه را از حالا نکنید بنده عرض می کنم تا وقتی که مردم می دانند توصیه اثر ندارد ممکن نیست از توصیه نمودن صرف نظر نمایند و این حالت را نمی شود کسی در قلب اشخاص داخل نماید

بنابر این با ورود مستشار کارها در جریان قانونی خود سیر نموده وبالطبعه از این گونه امور جلوگیری خواهد شد رئیس - باید رأی بگیریم بلایحه کنترات دکتر میلیسوی که مشتمل بر هفده ماده است

آقایانی که این لایحه را بطور کلی و روی هم رفته تصویب می کنند قیام فرمایند ( قریب با اتفاق قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد جلسه آتیه روز یکشنبه ۳ ساعت و نیم قبل از ظهر دستور هم رایورت کمیسیون بودجه راجع بشهریه ها خواهد بود

وزیر پست و تلگراف - یک مختصر عرضی دارم و بایستی بمرض آقایان برسانم در ضمن شورای لایحه تنفیذی از سرویسهای پستی دولت علیه ایران شد بنده جداً تکذیب میکنم که اختلال نظمی در سرویسهای پستی باشد سرویسها پستی خیلی منظم است و پاکات و امانات هم منظمآبه مقصد خودشان میرسند

رئیس - آقای معتمد التجار ( اجازه )

معتمد التجار - بنده از آقای رئیس الوزراء استوالی کرده بودم گویا حاضرند جواب بفرمایند

رئیس الوزراء - بنده حاضر برای جواب هستم لیکن جلسه متفرق شده است اگر آقایان موافق باشند در جلسه دیگر عرض خواهم کرد

رئیس - پس می ماند برای جلسه آتیه .

( مجلس دو ساعت بعد از ظهر ختم شد ) مؤمن الملك

جلسه ۱۳۰

صورت مشروح يوم يكشنبه هفتم اسد ۱۳۰۱ مطابق پنجم شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۳۴۰ مجلس ۳ ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مومنین الملک تشکیل گردید صورت مجلس يوم پنجشنبه ۴ اسد را آقای امیرناصر قرائت نمودند رئیس آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - آنجا که نوشته شده است جلسه برای تنفس تعطیل شد برای اصلاحات بود نه برای تنفس و باید اصلاح شود رئیس برای مردود بود دیگر اصلاحی نیست ؟ (گفته شد خیر)

صورت مجلس با این یک فقره اصلاح آقای آقا سید یعقوب تصویب شد و فقره لایحه از طرف دولت رسیده یکی راجع به تخفیف مالیاتی دوقریه واقعه در فارس و دیگری راجع به برقراری دوسه فقره شهریه های جزئی بکمسیون بودجه ارسال میشود با فعل مسئله شهریه ها مطرح است مذاکرات در کلیات است آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - مسئله شهریه ها بعد از آنکه کتاب شهریه ها را دولت بکمسیون بودجه فرستاد کمسیون بودجه در چند جلسه خیلی اهتمام کرد شاید بتواند یک نظر وحدانی و یک مقیاس واحدی برای عموم اتخاذ کند بدبختانه چهار اشکالاتی شد و نتوانست در جلسات اولیه خود یک نظر وحدانی و یک تصمیم واحدی اتخاذ کند ناچار شد که وارد بشود در اقلام شهریه ها و بعد از اتخاذ یک فلسفه هائی این فلسفه ها هم تقریباً چندین چیز بود یکی قدمت خدمت یکی فقر . یکی هر دو . یکی مقتضیات زمان . یکی نظریات دولت های وقت و معلوم است که در اتخاذ یک فلسفه همیشه میزان اغلیت را اکثریت است مثل عموم قوانین دنیا و هیچ قانونی در دنیا نیست که فلسفه اش با تمام افراد منطبق بشود این بود که داخل در اقلام شده و جرح و تعدیلی کرد موافق این را بورت و کتابچه که در نزد آقایان محترم هست و همین مسئله کمسیون را دچار اشکالات فوق العاده و تنقید منقدین و اعتراض متعرضین نمود و همین مطلب باعث شد که کمسیون خود را ناچار دید یک نظر وحدانی اتخاذ کند و در دو جلسه پیشنهادهای خیلی مختلف راجع باین مسئله شد (بین افراط و تفریط) مثلاً یکی از پیشنهادهای پیشنهاد خود بنده بود که همه شهریه ها تصویب شود ولی بدبختانه در شد این راهم باید عرض کنم که گفتگوی ما در اشخاصی است که

حالا شهریه دارند حالا اگر اشخاصی پیدا شوند که این فلسفه هائی که در وجود همین اشخاص است در وجود آنها هم باشد چه در مرکز و چه در ولایات و اشکال کنند که چرا مادر آنها وارد نشدیم چون دولت پیشنهادی برای آنها نکرده است باینجهه ما هم مداخله نکردیم و وارد نشدیم بالاخره بعد از مذاکرات در پیشنهادهای چون اشخاص شهریه بگیرند قسمند . . . . رئیس - عقاید خودتان را اظهار بدارید

آقا سید فاضل - این یک تاریخی است که عرض میکنم بعد عقاید خود را هم عرض میکنم یک قسم از شهریه بگیرها اشخاصی هستند که مستمري دارند و در قوی ثیل ۱۳۲۵ کمسیون مجلس بعد از هیجده ماه غور در اطراف مستمريها یک تصمیمی اتخاذ کرد و کتابش هم هست موسوم بکتاب قوی ثیل ۲۵ یک قسمت از این عده مستمريهای خود را شهریه کرده اند و یک عده هم بودند که از سابق شهریه داشته اند بدون داشتن مستمري وعده دیگری هم هستند که در ایام قنرت شهریه برای آنها برقرار شده و شاید موجب قدمت خدمت بوده . فقر بوده گاهی هم هر دو بوده یا مقتضیات وقت بوده یعنی مثل همان مقتضیاتی که در زمان استبداد بوده که فرمان مستمري باشخاص میدادند بهمان نسبت هم هیئت دولتهای وقت نظر بملاحظات و مقتضیاتی که در بین بوده این شهریه ها را تصویب کرده اند پس شهریه ها سه قسم شد . یک دسته اشخاصی هستند که مستمري داشته اند و او را شهریه کرده اند بملاوه بقول عربها یک چه الله هم قائل شده اند چهاله یعنی کماله و تکمیل و بعضی ها هم مستمري خود را بدون کم و زیاد شهریه کرده اند یک دسته هم بدون داشتن مستمري شهریه در حقیقت برقرار شده است خلاصه پس از آنکه کمسیون در اقلام وارد شد تصادم کرد با اشکالاتی و ناچار شد یک نظر واحد و عادلانه اتخاذ کند و چندین ماده بنظرش رسید که پیشنهاد کرد بعضی از اقلام شهریه ها قطعی القاطع بود که ده یا نوزده قلم بود چون سزاوار نبودند که از طرف دولت به آنها شهریه بدهند و کمسیون هم اینطور صلاح دید که کافی السابق مقطوع باشد و نسبت بسایر شهریه ها قرار شد شهریه های تا مبلغ پنجاه تومان دست نخورد و از پنجاه تومان بالاتر تومانی ۳ قران کسر شود بدلیل اینکه چون تا پنجاه تومان لا با شامل حال فقرا است و بملاوه آنهایی که مستمري خود را شهریه کرده اند دیگر بوار نشان نمیرسد و مادام الحیوة است باینجهت قرار شد دست نخورد و نسبت باشخاصی که مستمري

داشته اند و شهریه کرده اند چون مطابق قانون وظائف همانطور که عرض کردم شهریه بوارث نمیرسد لهذا قرار شد به صاحبان مستمري رجوع کنند که اگر راضی هستند غیر مورث و مادام الحیوة باشد بطور شهریه بگیرند و اگر می خواهند مورث باشد برمی گردد بمعال اول و مطابق قانون وظائف درباره آنها رفتار میشود و بعد از این مذاکرات در هیئت متحده هم مذاکراتی بمیان آمد که شاید بتواند این تصمیم را در مجلس رای بدهد . . . .

نجات - نه خیر - در هیئت متحده . . . . آقا سید فاضل - عرض میکنم بالاخره بعد از مذاکراتی که در یکی دو جلسه در هیئت متحده شد در جلسه اولی قرار بر این شد که عجله بقض شهریه ها و مستمريها شش ماهه صادر شود تا یک تصمیمی اتخاذ شود و در جلسه ثانوی قرار شد یک سال . . . .

مستشار السلطنه - در هیئت متحده چنین تصمیمی اتخاذ نشد . . . آقا سید فاضل - چرا . اجازه به فرمائید عرض میکنم و بنده شک پیدا کردم که مذاکرات جلسه دوم یعنی یک سال رسمیت پیدا کرده یا نه و اولی بنده هم باش ماه موافقم هم بایکسال و با تومانی سه قران کسر هم موافقم مثل عقیده آقایان هیئت متحده بلکه شاید زودتر یک تصمیمی اتخاذ شود چون اگر در واقع ملاحظه کنیم شش صد قلم شهریه است و این شش صد نفر اقلام باید شش هزار نفر را بدهند و عقیده دارم که زودتر این مطلب خاتمه پیدا کند بعدا اگر لازم شد عقاید خود را مفصل تر اظهار خواهم کرد

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه) رفعت الدوله - بنده موافقم رئیس - آقای محمد هاشم میرزا چطور ؟

محمد هاشم میرزا - چنانکه آقای آقا سید فاضل مفصلاً فرمودند بنده هم بطور اجمال عرض میکنم که مسئله شهریه ها از پنجاه قبل در کمسیون مطرح شد و بعد فرداً در خصوصیات آنها مراجعه و رای داده شد و بنده هم که بهر کدام در کمسیون رای دادم یادداشت کردم که در مجلس هم مطابق همان رای کمسیون با کمال قوت قلب رای بدهم ولی متأسفانه اخیراً آن ترتیب بهم نخورد و قرار شد که ترتیب جدیدی اتخاذ کنند و بطور کلی از پنجاه تومان به پائین کسر نشود و از پنجاه تومان ببالا تومانی

۳ قران کسر بشود بنده با این ترتیب در کمسیون هم مخالف بودم ولی چون در اقلیت ماندم لابد شدم در مجلس هم عرض کنم که هیچ دلیل ندارد مستمريها و مقرریهائی که از صد و پنجاه سال قبل تا به حال با جداد اشخاصی بازاء خدماتی که در آن زمان کرده اند داده شده و در قوی ثیل ۲۵ هم در مجلس هر چه باید از آنها کسر بشود کسره و بقیه را باقی گذاشته اند حالا آنها را تومانی دوریال بدهند و شهریه هائی که نه تصویب زمان مشروطه را دارد و نه زمان استبداد را آنها را تومانی تومان یا تومانی هفت قران بدهند و مستمرياتی که فرمان داشته و مجلس هم تصویب کرده بنده قوتش را زیاد تر از شهریه های ایام قنرت می دانم . . . .

(بعضی از نمایندگان صحیح است) و بایستی حتی المقدور او را زیاد تر از شهریه ها داد و بنده نمی توانم شهریه ها را باین زیادی و مستمري را باین کمی تصویب کنم و در کمسیون بودجه هم بنده قانع نشدم اگر آقایان موافقین اینجایک دلیلی دارند بفرمایند تا بنده قانع بشوم والا حالا بنده مردد هستم که چطور رای بدهم و بنده این هر دورا نمی توانیم در یک ترازو بگذارم زیرا در آن قسمتی که اسناد معتبر دارد قوی تر خواهد بود تا سایر قسمتها و در سایر موضوعات هم چون هنوز مذاکره نشده رای خود را باقی می گذارم

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه) رفعت الدوله - بنده قبلاً خاطر آقایان را متذکر می کنم که نه خودم شهریه داشته ام نه برادرم نه اقوام نه در کرمان کسی هست که شهریه داشته باشد . . . .

شیخ الاسلام - باهالی ولایات که شهریه نداده اند .

رفعت الدوله - ولی یک ضرر هائی هست در مملکت که باید آنها را استقبال کرد و این شهریه هائی که بفرمایند من غیر استحقاق داده می شود تصور نمی کنم در سال از چهل الی پنجاه هزار تومان زیادتر بشود یک قسمت هم هست که در واقع حکم حقوق تقاعدی را دارد و البته باید بآنها داده شود و بایکسال هم بنده موافق هستم . قسمت دیگر هم علماء و سادات هستند که آنها نسبت بسایرین خیلی کم هستند و شاید نسبت بسایرین ثلث بلکه ربع باشند . . . .

سلطان العلماء - کمتر است رفعت الدوله - در هر حال این مقدار هم محض حفظ حوزه اسلامیت داده می شود و بنده عقیده شخصی خودم را می گویم محض حفظ حوزه اسلامیت و دائر شدن

مساجد که نماز بخوانیم یا منابرمان دایر باشد . . .

**حائری زاده** - صحبت نماز و روزه و منبر نیست راجع بشهریه ها است

**رفعت الدوله** - عرض کردم شما بعد فرمایشتان را بفرمائید اجازه بخواهید و اظهار مخالفت خود را بکنید من دارم عقیده خود را می گویم و گفته ام یک نفر کرمانی شهریه ندارد یزدیها احتمال دارد داشته باشند . . .

**حائری زاده** - خیر یزدیها هم مثل کرمانیها ابد شهریه ندارند

**رفعت الدوله** - بلی محض حفظ حوزة اسلامیت این جزئی را باید درباره علماء تصویب کرده همچنین سادات که اهل استحقاق هستند منتهی یک قسمت هستند که آقایان در آن قسمت مشکو کنند و می گویند من دون استحقاق است عقیده بنده این است که اگر امسال بهمان ترتیبی که کمیسیون بودجه راپورت داده اند از پنجاه تومان به بالا تومانی ۳ قران کسر و تا پنجاه تومان را تومان تومان بدهند خیلی خوب است و آن وقت در سال نوبت ترتیب صحیحی بدهند ملاحظه فرمائید در کمیسیون بودجه هیچکس نفرند که چند نفر از آنها عدولند و ما نمی توانیم آنها را رد کنیم و بگوئیم آنها اشخاصی بوده اند که عقیده نداشته اند یا ملاحظه قوم و خویشی را کرده اند خیر بنده بایشان عقیده دارم و همان طور که کمیسیون بودجه تصویب کرده خیلی خوب است و عدم تصویب این مبلغ هم

یک نفی نیست که ما بگوئیم یک ماه بودجه مملکت ایران را اداره میکند خیر بنده مطابق حسابی که کرده ام بودجه یک روز و نصف این مملکت است این عقیده بنده بود حالا سایرین هر فرمایشی دارند بفرمائید

**رئیس** - آقای سلیمان میرزا مخالفتی؟

**سلیمان میرزا** - بلی بنده مخالفم .

**رئیس** - بفرمائید .

**سلیمان میرزا** - مسئله که امروز مطرح است یک قسمتی از بودجه است و چون بنده بر خودم حتم کرده ام که هر وقت بودجه بطور غلط بمجلس بیاید قانون را یادآوری کنم شاید یک ترتیبی بشود که یک بودجه صحیحی بمجلس بیاید و اینهم یک قسمت از بودجه مملکتی است لهذا یادآوری میکنم که این برخلاف قانون مملکتی است و باید وقتی بودجه را بمجلس می آورند تمام را در یک کتابچه که یک طرف او جمع باشد و طرف دیگر او خرج باشد بیاورند و مجلس تطبیق کند اگر خرج زیادتر از جمع شد بعضی چیزهایی را که فائده ندارد حذف کند و اگر مبلغ قابل حذفی نبود مالیات جدیدی

وضع کند ولی بدبختانه در تمام دوره مشروطیت هنوز اینطور بودجه بمجلس نیامده است یعنی یک کتابچه که جمع و خرج در طرفین او باشد بمجلس نیامده است و ما هم عادت کرده و یک طبیعت ثانوی پیدا کرده ایم که هر وقت یک ورق کاغذ را رویش می نویسند لایحه بودجه یک رأی می دهیم و در آنجا هم یک فلسفه های عجیب و غریب گفته میشود مثلا مسئله استحقاق و عدول مومنین شهادت داده اند پیش می آید در صورتی که در کمیسیون بودجه مسائل شرعی و نماز و روزه و منبر و مسجد در کار نیست شاید عدالتی را که آقای رفعت الدوله فرمودند برای نماز جماعت بود .

بنده نمی دانم پشت سر کدام یک از اعضاء کمیسیون بودجه می شود نماز خواند و بر فرض هم که بشود پشت سرش نماز خواند دلیل بر تصویب بودجه جمع و خرج نمی شود البته همه و کلا خوبند که انتخاب شده اند چون اکثریت مردم او را انتخاب کرده اند ولی مسئله خمس و زکوة و حق امام در بین نیست که به سادات بدهند یا بعلما .

خوان نعمت سلطنتی هم نیست که بشاهزادگان بیشتر بدهند و بگویند مال سلطان است و بستگان سلطان از همه مقدم تر هستند خیر حکومت حکومت ملی است و بنیان حکومت ملی بر روی استحقاق است از روی قانون و مادر مسئله شهریه ها نمی توانیم از زکوة صحبت کنیم و فلان الدوله ها و فلان السلطنه ها هم مستحقین زکوة نیستند اینها هم جماعتی هستند که مال دولت را میخواهند برفت بخورند برای اینکه این نه خمس است نه زکوة . نه مال امام حالا مسئله شرعی را کنار می گذارم عرض می کنم از نظر قانونی این ورقه بودجه نیست و یک ورقه است مثل سایر ورق پاره ها که به مجلس می آید و در آخر سال مانمی دانیم این رأی هائی که ماتیکه تیکه می دهیم آیا مملکت چقدر کسر خواهد داشت؟ یک قسمت عمده از فلاکت هائی که ما امروز گرفتار هستیم برای این است که جمع و خرج مملکت را نمی دانیم . . .

( بعضی از نمایندگان - صحیح است )

اگر جمع و خرج مملکتی بطوریکه در همه دنیا معمول است که در یک کتابچه یک طرف جمعش و طرف دیگر خرجش را بنویسند و این جا بیاورند وقتی که ما دیدیم پننج کسرور کسر داریم آنوقت سالی بیست و چهار هزار تومان به کامران میرزا نمی دهیم و می گوئیم این از خرجهای بی مصرف است و نباید برای این قبیل مصارف هزار جور تضمینات بگردن مملکت وارد آورد و مملکت را زیر فشار گذاشت و مثل هفتاد و هشتاد روزمان مظفرالدین شاه فرض کرد و داد بمر و وزید که بدون

استحقاق بخورند این نه از نقطه نظر اسلامی نه از نقطه نظر دیناتی نه از نقطه نظر مملکت داری بهیچیک از این نظرها صحیح نیست و اینکه اینجا صحبت می شود که فلانکس فقیر است یعنی داد کرده که یارک داشته باشد یا اتومبیل حرکت کند و یکی از سرفلیانهای نقره و طلا که با او حرکت می داده اند کم شده پس باید با پول داد که بتواند همه اینها را داشته باشد آبدار هم پنج تا داشته باشد همین فلسفه ها است که بالاخره مالیه مملکت را بی جهت و بی سبب خرج این کارها می کند و باین اشخص می دهد و در آخر سال باید باستقراض دچار شویم و هفت ماه هفتماه حقوق معلم و آژان که این قدر زحمت میکنند عقب بیفتد و تعطیل کنند همچنین مامورین امنیه و سایر ادارات حقوقشان عقب بیفتد و ما هم متصل اینجا تصویب می کنیم در صورتی که نمی دانیم جمع و خرجمان چیست؟ و باز برای یکدفعه دیگر عرض میکنم این لایحه بودجه نیست و تا این ساعت بودجه مملکت بمجلس نیامده و یک ورق پاره هائی است که می آید حسن خان دو بیست تومان حسینخان پنجاه تومان و ابدا نمی دانم جمع مملکت چقدر است و در این دوره هم خوش بختانه یا بدبختانه نظر لطف و مرحمت در مجلس زیاد است و می گوئیم خوب فلانی هم یک سهمی ببرد چه عیب دارد؟ نه اینطور نیست خیلی اهمیت دارد و این پولی که ما رأی می دهیم بمر و وزید بدهند نتیجه اش استقراض خانمان برانداز است نتیجه اش عدم انتظامات ادارات دولتی و عدم پیشرفت معارف و شیوع شرارت در مملکت است ( بعضی از نمایندگان - صحیح است )

بواسطه همین رأیهای بی حساب و مرحمتها است که مانمی دانیم جمع مملکت چقدر است و می لایحه قطع باین ورق پاره ها رأی می دهیم و خرج درست میکنیم و آخر سال می بینیم خرجمان زیاد تر است و این درو آن درمی رویم که چه کنیم چه کنیم بنا بر این بنده با این کتابچه که چاپ شده و بمجلس آمده و با این یکورق راپورت بطور کلی مخالف هستم و بعلاوه یک سؤالی دارم ولی متأسفانه هیئت دولت تشریف ندارند و در چنین مواقع مهم بمجلس تشریف نمی آورند و بنده نمی دانم جواب سؤال بنده چه می شود در صورتی که لایحه از طرف دولت است و باید وزیر مالیه اینجا باشد و جواب ما را بدهد آقای مغرب کمیسیون یا اعضاء محترم کمیسیون بودجه هم اگر جوابی بدهند از روی عقاید کمیسیون حرف می زنند و از عقاید دولت خبر ندارند و در هر حال هیئت دولت غفلت کرده اند که تشریف نیاورده اند خیلی غفلت بزرگی زیرا اگر دفاع مغرب کمیسیون کفایت می کرد دیگر لازم نبود هیئت دولت در مجلس حاضر شود بهر حال

هیئت دولت که حاضر نیست جواب مرا بدهد که آیا جمع و خرج مملکت چقدر است و این شهریه ها را اگر من تصویب کردم آیا از بودجه مملکت چیزی زیادی هست که بآنها بدهیم یا نه؟ پس حالا که هیئت دولت نیست آقایان جواب سؤال بنده را بدهند آیا وقتی در مملکت مجلس شورای ملی نباشد و فترت باشد هیئت دولت نهای وقت می توانند از مالیه مملکت شهریه برقرار نمایند؟ ( گفته شد - خیر ) آیا این برخلاف قانون اساسی نیست؟ ( گفته شد - چرا )

پس هیئت وزراء در غیبت مجلس نمی توانند از صندوق عمومی پول و شهریه بدهند و این برخلاف قانون اساسی است و نتیجه آن قرض است که باید همان فقراء وضعفا تحمل کنند و بدهند و هر جا را نگاه کنیم مملکت اسلامی بواسطه همین قرضها دارد از بین می رود و بواسطه همین خرجهای بی رویه و بواسطه همین ورق پاره ها است پس هر ساعتی که ما بیک دینار بی رویه رأی می دهیم یک حلقه بر زنجیر اسارت خودمان اضافه کرده ایم و آن فقیر بدبخت باید تحمل بکند و در زیر زنجیر بماند ولی غنی چندان در تحت فشار این حلقه نیست و می گوید

منعم بکوه و دشت و بیابان فریب نیست هر جا که رفت خیمه زد و بارگاه ساخت پولها را بر می دارد می برد در نکستان و عبی می کند و آن فقیر دست و پا شکسته باید باذلت تا زندگانی کند و خدای نکرده مثل ممانک دیگری که در حال فلاکت مشغول زندگانی هستند باید بگذرانند و گرفتار باشند پس حمایت از فقراء وضعفا این نیست که از توی آویزه که عبور می کنید صد دینار فقیر بدهید خیر باید فکری کرد که این فقره عمومی را از بین برد و الا این صد دینار علاج موقت است و ببرد امروزش می خورد که نان بخورد و بخورد ولی باز فردا صورت اول است و باید فکری علاج کرد که فقیر کم شود و اولین علاجش اصلاح جمع و خرج مملکت است مملکتی که جمع و خرجش معین نیست نباید حاتم بخشی بکند و هزار تومان و دو هزار تومان شهریه بدهد حالا بر گردم بسؤال بطور کلی مطابق قانون اساسی وزراء حق ندارند در غیبت مجلس شورای ملی لوابیح مالی را تصویب کنند و همچنین مردم هم وقتی مجلس نباشد مکرر عرض کرده ام نباید مالیات بدهند و حق ندارند در غیاب مجلس مالیات بدولت بدهند وزیر هم نمی تواند یک شاهی خرج کند چون چیزی که بنیان حکومت ملی است و اساس حکومت مشروط و در هر جا پشتیبان مجلس است مسئله مالیات است که هر ساعتی مجلس نبود نه مردم یک شاهی مالیات بدهند و نه دولت بتواند یک شاهی مطالبه کند آنوقت دولت مجبور می شود تسریع در افتتاح مجلس بکند

( جمعی تصدیق کردند )

**سلیمان میرزا** - سر نیزه مجلس در تمام جاها و آن چیزی که دولتهای بزرگ با اردوهای بزرگ نمی توانند مجلس را تعطیل کنند همین مسئله است و بس و ما هم اگر بخواهیم روی فترت را دیگر نبینیم باید مردم بفهمانیم که یکدینار مالیات بدون تصویب مجلس بدولت ندهند و دولت هم نباید یکشاهی بدون تصویب مجلس خرج کند و امروز ما داریم یک چیزی را تصدیق می کنیم که برخلاف قانون اساسی است و نباید ما تصدیق کنیم چرا ؟ زیرا مطابق بر آوردی که بنده کرده ام ( حالا شاید این طور نباشد ) و بنده اشتباه کرده باشم )

فرب بیست و نه هزار تومان دولت دارد در ماه شهری به بدون جهت می دهد و ما می خواهیم بآن رأی بدهیم در صورتیکه بودجه معارف ما در ماه بیست و سه هزار تومان است آنهم با هزاران فلاکت و هفت ماه بهفتهام هم نرسد در صورتیکه هیئت دولت حق نداشته است در غیبت مجلس یکشاهی بدهد ولی حالا بعضی از آقایان موافقین می فرمایند ضروریات بوده یا فقر بوده و آقای آقا سید فاضل هم فرمودند ضروریات بوده یعنی همان ضروریاتی که در دوره استبداد هم بوده و شهریبه مستمری می داده اند بنده هم عرض کردم صحیح است حالا هم می گویم صحیح است زیرا کاملاً ایام فترت را جزو ایام استبداد می دانم بلکه سخت تر منتهی تفاوتی که داشت در ایام استبداد قانون اساسی نبود و سلطان وقت به نظر می که بود مخارج یک فوج قشون را بشاهزاده مستبدالدوله می داد فوجی که باید برود ببدان جنگ و برای وطن خودش دفاع کند مواجب آن فوج را بعنوان نان خانه بفلان شاهزاده می دادند که فقیر شده است و یا فلان خان که خیلی خدمت کرده باید مواجب یک فوج را بگیرد ولی فوجش موهوم است و در بین نیست فوج موهوم ولی مواجب معین ولی در ایام فترت نان خانه در بین نبود اما تصویب نامه های درباری صادر می شد و هر کس در روز وزیر می شد حق داشت مادام - العمر ماهی سیصد و سی و سه تومان و سه قران و سیصد و سی و سه دینار بگیرد یعنی ثلث حقوق وزارت را مادام العمر می گرفت و بقول آقای رفعت الدوله این خمس است که باید باوداده شود یا چون نماز می خواند باید باوداده شود ...

**رفعت الدوله** - بنده اینطور عرض نکردم

**سلیمان میرزا** - در صورتیکه اگر شهریبه بنام خواندن مربوط باشد بقرا باید بیشتر بدهند زیرا آن حال یا عمه که صبح تا شام زحمت میکشد عصر که دست از کار می کشد وضو می گیرد و نمازش را میخواند اما شاید فنی در عیش و عشرت فرق است

و اصلاً نمی داند کی صبح می شود و کی شام که نماز بخواند و شاید خیلی اوقات هم فراموش میکند پس بنا بر این یول داشتن فلسفه عبادت نیست البته ما هم می خواهیم مساجد و منابرمان در کمال خوبی دائر باشد و اعمال مذهبی کاملاً رعایت شود اما مسئله مساجد و منابر مربوط به شهریبه نیست و ما شهریبه را بمساجد نمی دهیم ما این شهریبه را باشخاصی می دهیم که شاید آنقدرها هم در اعمال مذهبی جدیت نمیکنند باری در حال بنده کاری ندارم انشاء الله همه شان نماز شبهم میخوانند با بیست و نه هزار تومان شهریبه را می خواهیم تصویب کنیم که در ایام فترت برقرار شده و بنده هیچ فلسفه برای این تصویب نامه ها نمی بینم که یک نفری که سه روز وزیر شده باید ماهی سیصد و سی و سه تومان و سه قران و سیصد و سی دینار مادام العمر بگیرد هم اصل این تصویب نامه غلط است هم فرعی که بر او مترتب است از او غلط تر است و از این قبیل چیزها خیلی زیاد است و اگر اسامی که در این کتابچه است برای شما بخوانم می بینید همه دارا و صاحب لقب هستند کتاب چه خدمت آقایان هست ملاحظه فرمائید احتساب الملك - اعتضاد السلطنة - افتخار العلماء - امیر بهادر جنگ - امیر کبیر - امین الملك این همه قرا هستند آقایان می فرمایند؟

**میرزا حسن اخضر** ( این شخص رانمی شناسم شاید فقیر باشد ) حسن خان اعتماد قاجار : خلاصه در این صفحه شاید سه نفر فقیر باشد مابقی همه صاحب القاب هستند این است که بنده مخالفم و می گویم نه باید یول مملکت را باین فقر داد باید یول را در مقابل خدمت و زحمت داد و هر کسی برای مملکت خدمت می کند و زحمت می کشد باید باو حقوق داد و الا بستگی و خویشی دلیل نمی شود که از بیت المال مسلمین باو حقوق بدهند اگر قوم و خویشی باعث می شد از بیت المال مسلمین بکسی یول بدهند باید حکایت عقیل و حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام و قرض نان را در نظر بیاوریم که برادرش یک قرص نان زیادی نداد بلکه یک ذره نان را از او گرفت دیگر از این بالاتر می شود پس این بیت المال مسلمین است نه طعمه اخوان شیطاین باید یول را باشخاصی داد که کاری کنند و زحمت می کشند و حقیقتاً در راه خدمت بمملکت حلیل و مقول شده اند باید به ورئه مقتولین داد که در راه مملکت شهید شده اند و الا سه روز وزیر شدن و سیصد و سی و سه تومان و ۳ قران حقوق درست کردن مزایائی ندارد ولی الا ضول وزراء حق ندارد در غیاب مجلس حقوقی تصویب کنند حالا اگر آقایان موافقت فرمایند این پیشنهادی که دولت کرده است همان است که تو می خواهی منتهی نام را در یک کتابچه نوشته است و دولت می گوید در زمان فترت یک شهریبه هائی

تصویب کرده اند حالا پیشنهاد می کنم و هر چه شما بفرمائید اطاعت میکنم آنوقت بنده عرض می کنم در این پیشنهاد دو ایراد دارم .

اولا این پیشنهاد برخلاف قانون است و باید در ضمن بودجه کل بمجلس پیشنهاد شود علاوه بر این این صورتی را که در این کتابچه نوشته اند درست دقت نکردند که آنها را از هم جدا نمایند چون یک قسمت از این صورت شهریبه هائی است که در زمان مجلس اول در قوی نیل ۱۳۲۰ تصویب شده و هیچ محتاج برای نیست یک قسمت هم مستمریاتی است که مطابق قانون وظائف بورئه مردم داده میشود آنهم محتاج برای نیست یک قسمت دیگر شهریبه هائی است که در ایام فترت تصویب شده و بنظر بنده شاید از نقطه نظر بستگی شخص یا جلوگیری از هیاو این شهریبه ها را داده اند مثلاً اگر کسی هیاوئی در شهر میکرده است می گفته اند محض اینکه ساکت باشد یک شهریبه هم باو بدهید یا باصطلاح امروزه مجلس دوره چهار وضع لغت کرده اگر کسی هوچی بود و شرکت در هومیکرد باو میگفتند تو هم بیاشریک در این گمیانی بشو و دیگر صدایت در نیاید تا وطنت از خطر بیرون بیاید .

یک قسمت هم اختصاصی هستند که دسترسی بدائره وزارتی و مقام صدارت داشته اند مثل فلان الدوله و فلان السلطنة و محض اینکه بی کار بوده اند به آنها شهریبه داده اند دوسه قلم هم هست که این اشخاص را بعد از آنکه کشته اند بورئه شان شهریبه داده اند مثلاً خیابانی را بعد از آنکه در تبریز کشتند در باره ورئه او مواجب برقرار کرده اند یا بعد از آنکه ابوالفتح زاده و منشی زاده و سایرین را کشتند در صورتی که محکوم بر قتل نبوده اند بورئه آنها شهریبه داده اند بنده که این جا نبودم اما خود میکشی حافظ

خود تعزیه میداری

آنها را می کشند آنوقت شهریبه برای ورئه شان معین میکرده اند بهترین برهائی که بواسطه آن میتوانم ثابت کنم که این کتابچه غلط است این است که در این مملکت خادمین مملکت بصکلی معو هستند و خائنین جلو هستند مثلاً ورئه مرحوم آقا سید جمال الدین که برای حفظ اساس مشروطیت و حفظ این مجلس در دوره اول جان بازیها نمود و بالاخره هم در راه اساس مشروطیت بدست محمد علی میرزا کشته شد آنوقت شهریبه از برای ورئه یک چنین شخص فداکاری سیزده تومان شهریبه برقرار می کند بندهم چون یکی از پسرانش آقا سید محمد علی جمال زاده داخل در کار میشود چهار تومان از

حقوقشان کسر نمایند که نه تومان باقی میماند ملاحظه کنید بیک شخصی که تمام زندگانی خودش را در راه آزادی و مشروطیت صرف کرده و بالاخره در این راه کشته شده امروز قدرشناسی نسبت باو نه تومان است و برای زندگانی هائله این شخص بزرگوار که جان خود را در راه حفظ آزادی صرف کرده و در تمام مدت زندگانی خدمت کرده است و تا آخرین ساعت وقت خود را برای حفظ آزادی صرف کرده است نه تومان معین میشود اما برای معمد معمد علی میرزا که مغرب اساس آزادی و مشروطیت بود هفتاد و پنج هزار تومان معین می شود . . . .

آقا سید فاضل - او در این کتابچه نیست.

**سلیمان میرزا** - هر کجا می خواهد باشد - این است قدرشناسی این مملکت برای خدمتگذارانی که تا آخرین قطره خون خود را ریخته و تا آخرین ساعت زندگانشان جان بازی کرده اند عیال و اطفال این بیچاره در یک خانه زندگانی می کنند که نزدیک است دیوار هم سر آنها خراب شود البته با نه تومان چطور میشود زندگانی کرد آنوقت به آنها هائی که مغرب این اساس بوده اند و مجلس را توب بسته اند هفتاد و پنج هزار تومان می دهیم که برود در فرنگ دیش کند و به آنها هائی که خدمت نکرده اند ماهی سیصد تومان چهار صد تومان حقوق میدهند این است که مطابق این طریقه و روش این مملکت محکوم بخراب شده است و اگر این سیاست دوام پیدا کند که خدمتگذاران را اینطور جزا بدهند و خراب کنند کان را اینطور دیگر باید امید وار نبود در این مملکت خدمت گذار پیدا شود زیرا خدمتگذاران نگاه می کنند و می بینند در زنده بودنشان اینطور نسبت به آنها رفتار می شود و غیر از تهمت و صدمه و مشت از مرتجعین چیز دیگری ندارند بعد از آن که امتحان آخری را دادند و خسرو نشان را

در راه مشروطیت ریخته اند آنوقت ملاحظه کنید به بینید بهائله آنها چه می دهند مملکتی که اینطور خدمتگذاران آزادی را حفظ کند مملکتی که اینطور مخالفین آزادی را بحال عیش و نوش بگذارد معلوم نیست آتیه آن مملکت چه خواهد شد !! بروید خانواده آقا سید جمال الدین را نگاه کنید به بینید به چه سختی زندگانی می نمایند !! بلی ما اینطور قدر و قیمت خون آزادیخواهان را نگاهداری می کنیم آنوقت در اینجا بیست و نه هزار تومان پول بکسانی که این مملکت را خراب کرده اند و باشخاصی اگر داخل در اسامی شدید بنده یکی یکی این اشخاص را معرفی می کنم که بر ضد مشروطیت چه کارها کرده اند بآنها دوهزار تومان و

سه هزار تومان حقوق می دهیم اما با خدمتگذاران واقعی اینطور رفتار می نمایم وقتی اینطور فلسفه در مملکت حکم فرما شد دیگر بعد از این مردمان خیر - خواهد و فدا کار پیدا نخواهد شد و همه در فکر راحتی خودشان خواهند بود یعنی میگویند يك خلاف کاری بکنیم تا راحت بشویم و سعی کنیم يك صورت ظاهری درست کنیم تا در جزء فقراء دوهزار تومان حقوق بماند و بدهند و سعی کنیم بارک و انومیل و سرفلیان طلا و نقره داشته باشیم و پول در بانک داشته باشیم تا در مجلس بگویند این آقایان از بزرگان بوده اند و در ناز و نعمت بوده اند حالا هم خوب است ماهی دوهزار تومان و سه هزار تومان به آنها بدهیم چون بزرگ زاده هستند در صورتی که این بزرگی را از میکیدن خون مردم این مملکت تحصیل کرده اند و مثل زالو هائی هستند که خون فقراء را میکشند بزرگ شده اند آنوقت برای اینکه چاق تر بشوند باید از فقراء وضعفاء بگیریم و تمام را ببلق اینها داخل نمایم و بگیریم بغورید تا چاق تر بشوند و مصداق آن مار جهنم که هل امتلثت يقول هل من مزید ظاهر شوهی به آنها می دهیم و هوی می گویند هر چه هست بما بدهید

با این ترتیب بنده با این لایحه مخالفم و اگر عقیده بنده پیشرفت می کرد می گفتم يك قلم از اول تا آخر روی این شهریه هائی که در ایام فترت بدون مجوز قانونی داده شده است بکشند یعنی آنها بیسکه در مجلس اول تصویب شده با مطابق قانون وظائف است باید آنها را بدهند و سایرین را که در ایام فترت شهریه برای آنها تصویب شده است يك قلم روی آنها بکشند و بعد هر کدام را که هیئت دولت لازم دانست مجدداً بمجلس پیشنهاد نماید اما من نمی فهمم چطور شده است با اینکه من خودم شاهزاده هستم چرا با آنها مخالفم و همیشه بر علیه ظلم و تعدی این خانواده هستم یعنی قسم خورده ام هر کسی ظلم کند بر علیه او باشم .

مثلاً حضرت اقدس والا امیر کبیر و امیر بهادر جنک (هر چند این امیر بهادر جنک آن امیر بهادر جنک نیست) به بیست و چهار خدمتاتی برای مملکت کرده اند باندازه خدمات آن دو بزرگوار از آنها قدر دانی و حق شناسی کنید بنده این دونفر معروف را پیدا کرده ام که دیگر جای حرف نباشد بیکی از آنها ماهی دو هزار تومان و بدیگری ماهی دویست تومان داده می شود و میگویند مجلس را خراب گردید و خوب بر علیه آزادی قیام گرفتند دستشان درد نکند بقول بعضی آقایان ناز شصت است و می گوئیم چون در مملکت استبداد خودتان ثابت بودید و بر علیه آزادی خوب قیام کردید ما از شما قدر شناسی می کنیم و بشما ماهی دو هزار تومان می دهیم که از همه تعدیاتی که

در زمان حکومت طهران و وزارت جنک کرده اند

حالا در بار کتان راحت زندگانی کنید و همچنین بشما دویست تومان می دهیم بجهت اینکه از خانواده امیر بهادر جنک هستید .

اما بدبخت آقا سید جمال الدین که در راه حفظ عقیده و حفظ آزادی شهید شده و روح مقدس همیشه در مقام قدس در پیش چند بزرگوارش محترم است باید در راهش اینطور زندگانی کنند !! اگر ماقابل بروز حشر و معادی باشیم چطور جواب او را می دهیم ؟ اینهم یکی از سادات بزرگوار است که در راه آزادی فدا کاری کرده است و بعد از مردنش کسی از خانواده او احوال پرسی هم نمی کند دولت هم از صندوق عمومی نه تومان بوریه او حقوق می دهد بنابراین وای بر حال این مملکت که اینطور قدر دانی می کند

بنابراین باید گفت این مملکت محکوم باهدام است و اگر این سیاست ادامه پیدا کند دیگر ابد املت فکر خدمت کردن نخواهد بود و تمام در فکر تعدی و تجاوز و جمع کردن سرمایه و دارا شدن القاب بزرگ و خانه های بزرگ و تمول خواهند بود تا اینکه وقتی هم مسئله شهریه ها در مجلس مطرح شود به آنها دوهزار تومان بدهند بنابراین عقیده بنده این است آنها می که در مجالس گذشته رأی داده شده و همچنین آنها می که بر طبق قانون وظایف است آنها را باید بدهند و مابقی را چون در دوره فترت تصویب شده است کنار بگذارند و بگویند مطابق قانون اساسی در دوره فترت وزراء حق تصویب شهریه ندارند و بعد دولت هر کدام از آنها را لازم می داند یکی یکی بمجلس پیشنهاد کند بنده باز تکرار می کنم و در خور تکرار هم هست که بخانواده آقا سید جمال الدین باز يك تفقدی بکنید زیرا این بیچاره ها خانواده شخصی هستند که در راه مجلس و مشروطه جان داده است والا بعد از این مملکت چه حالی خواهد داشت ؟ هیئات هیئات آزادی کدام مدافع را خواهد داشت وقتی با آزادیخواهان اینطور در زندگانی شان رفتار کنند و بعد از مردنش اینطور دیگر بعد از این آزادیخواه نخواهیم داشت پس خوب است دولت شهریه هائی که در زمان فترت تصویب شده است یکی یکی بمجلس پیشنهاد کند آنوقت اگر صلاح دانست تصویب کند والا رد کند نه این که حضرت والا که اول دوازده هزار و هشتصد و نود و هشت تومان و دو قران مستیری دیوانی داشته اند از برای این که از تومانی دوریال فرار کنند اولاً آن مبلغ را شهریه بکنند و بعد هم کسر آنرا برقرار کنند که بیست و

چهار هزار تومان بشود برای این که نوشتن همد بیست و چهار هزار تومان درد فترت راحت تر است البته اگر صد هزار تومان باشد هم نوشتن آن درد فترت راحت تر است و هم گفتنش راحت تر است اما بدبختانه هنوز این مبلغ پیشرفت نکرده است و هنوز موفق نشده اند ولی اگر يك فترت دیگر پیدا شود و زنده بمانند صد هزار تومان خواهد شد و هیچ اشکال نخواهد داشت زیرا بخشش مازید است با این حال من يك پیشنهاد را که از طرف بعضی از آقایان شده بود امضاء کرده ام زیرا حس کردم شاید نظریه بنده در مجلس پیشرفت نکند چون آقای آقا سید فاضل هم رأی هیئت متعنه را فرمودند بنابراین وقتی هیئت متعنه رأی بدهد ...

آقا میرزا محمد نجات - در هیئت متعنه تصویب نشده است

سلیمان میرزا - خردتان می دانید این بابنده نیست چون یک نفر از آقایان که چندی هم در هیئت متعنه ناظم بوده اند و نمیدانم حالا هم هستند یا نه اینطور فرمودند و بنده هم از خارج شنیده بودم پس اگر هیئت متعنه اینطور رأی داده باشد که آقای آقا سید فاضل فرمودند بنده دیدم که با نظریه هیئت متعنه عقیده بنده پیش نمی رود بنا بر این اینطور صلاح دیدم که نظریه خودم را بمعرض مجلس برسانم اگر آقایان با نظریه من موافقت کردند خیلی ممنون می شوم ولی تازه ممنون شدن بنده برای این است که يك قسمت از معاکمه وزراء شروع شده است

یعنی می گوئیم کارهائی که در غیاب مجلس کرده اند غلط است و این بیست و نه هزار تومان شهریه را قبول نداریم و این سابقه غلط را رد می کنیم تا بعد مطابق قانون پیشنهاد شود و دیگر اینکه یک چیزی هست که بنده ملتفت نشدم و آن این است که بدهی دولت بدهی است چه تفاوتی بین مستیری و شهریه هست که آن را تومانی دوریال بدهد و این را تومانی تومن ؟ و بمقتضی بنده گویا دلیلش این است که چون مستیری ها مهم تر است و سندیت دارد احکام دارد و در مجلس تصویب شده است با آنها باید تومانی دوریال بدهند ولی شهریه که معلوم نیست از زمین سبز شده یا از کجا باید با تومانی تومن بدهیم این هم یکی از فلسفه های فقر عمومی است است که آن کسی که چهار صد تومان یادوست تومن و یا مثل کامران میرزا که دوهزار تومان دارد باید تومانی تومن بگیرد اما آن کسی که پنجاه تومان مستیری دارد باید تومانی دوریال با بدهند این مسئله مثل این است که کسی يك قبض نوشته باشد که طلب فلان شخص از من هزار تومان منهای هفتصد و پنجاه تومان که آنرا نخواهم داد و منکرم الباقی دویست و پنجاه تومان

یس این عدد بزرگ چه چیز است که می نویسد ؟

خوب از اول بنویسد دویست و پنجاه تومان حالا هم مستیریات ما این طور شده است مثلاً ما را می دهیم که فلان قدر مستیری فلان کس بدهند ما نمی دانم جهت چیست که آنرا تومانی دوریال می دهند شهریه را تومانی بکنند تومن بنده شکایت این است که چرا حقوق مردم بکنواخت نشده بنده می گویم یس شهریه ها را هم تومانی دوریال بدهند چه جهت دارد آنکه بیست و چهار هزار تومان واجب دارد تمام بگیرد اما بیست و چهار تومانی دوریال؟ این هم یکی از چیزهائی است که بنده مجبور بودم عرض کنم در حال اگر مجلس قبول کند و بامن موافقت بکنند (اگر چه هر ایض بنده کمتر طرف توجه می شود دوره های سابق هم همین طور بود حالا هم خودم را خسته می کنم زیرا عقاید بنده موافق با محیط نیست . . . .

مستشار السلطنه - این دفعه غیر سایر دفعات است

سلیمان میرزا - حالا اگر این دفعه اول باشد و مجلس لطفاً بامن موافقت کند و این پیشنهاد را عرض کردم قبول نماید آنوقت امضائی که پای آن پیشنهاد کرده ام یس می گیرم زیرا بنده شنیده بودم هیئت متعنه با این پیشنهاد موافق هستند این بود که بنده گفتم از هر جا جلو ضرر گرفته شود منفعتم است این بود که بنده هم آن پیشنهاد را امضاء کردم و گفتم حالا که بناه است بدهند کمتر بدهند والا عقیده اصلی من این است که اول عرض کردم والا از راه اکل میت و از روی ناچاری آن پیشنهاد را امضاء کرده ام

مخبر - مقدمتاً قبل از آنکه داخل بحث در اصل مسئله بشوم دو مطلب است که برای اطلاع خاطر آقایان عرض می کنم .

اولا - خاطر آقایان را متذکر می کنم باین که کمیسیون بودجه کمیسیون خود شماست و شما خودتان هیجده نفر از میان خودتان انتخاب کرده اید و مأمور بیک خدمتی نموده اید همانطور بیکه آنروز هم عرض کردم در این جاقضیه بیک مشکلاتی دچار شد و یس از جستجوی زیاد يك رأی اتخاذ کرد و رایورت خودش را بمجلس تقدیم نمود و با اینکه نسبت بکلیه آراء کمیسیون تابع مجلس است شاید در این رأی بیشتر از آراءهای دیگر تابع اکثریت مجلس باشد

این است و همانطور که عرض کردم اتخاذ يك رأی صحیح مبنی بر دلائل متقن و يك حقایق روشن و مکشوف خیلی مشکل است

مطلب دیگر که می خواستم عرض کنم این است که اغلب می بینم یک سوء تفاهاتی می شود و تصور می شود چون بنده می آیم این جا از یک قانونی دفاع کنم اما باید معارض با شاهزاده سلیمان میرزا باشم خیر اینطور نیست هر وقت حضرت والا فرمایشات صحیح بفرمایند بنده هم در قسمت خودم تصدیق می کنم و در قسمت های کلی هم اغلب آقایان و کلا تصدیق خواهند فرمود که تصدیق ایشانرا کرده ام اگر بعضی اوقات اختلاف داریم در بعضی چیزها و تطبیق آنها است با موارد خصوصی اما هر قدر حضرت والا از عدم قدر شناسی در این مملکت بنالند بنده هم موافق با ایشان خواهم بود مخصوصاً در موضوع ورثه مرحوم آقا سید جمال الدین که مخصوصاً خود بنده با او خیلی دوستی داشتم و من هم مثل حضرت والا عرض می کنم که اگر ففلی نسبت بورثه آن مرحوم شده است باید با آنها همراهی کنیم ؛ اما در یکجا بنده با حضرت والا مخالفم و آن این است که بکمر تبه میفرمایند من مخالف با شاهزاده ها هستم در اینجا بنده با ایشان مخالف هستم و مدافع از شاهزاده ها میباشم چرا چون بنده نسبت به هیچ طبقه خصوصاً طبقه خودمان نظریه ندارم و هر چه ایشان بگویند من از این خانواده نیستم ما قبول نمی کنیم و می گوئیم از ما است و همان نسبتی را که بنده با مرحوم عباس میرزا - نایب السلطنه دارم ایشانهم دارند و هیچ فرقی هم بنده با ایشان ندارم اینجا است که بنده عرض می کنم که نباید حقوق ممتازه در این مملکت داشته باشیم و نسبت شاهزادگان بایشان باید بد بود و با خوبشان خوب این دو مسئله را مقدمه عرض کردم حالا می - خواهم داخل در اصل مطلب بشوم و امیدوارم پس از این مقدمه یک سوء تفاهاتی نسبت بمادو نفر نشود اما در این مجلس مواجه با یک - لوابح بودجه می شویم و باید آنها را تصویب کنیم در صورتی که هنوز صورت جمع و خرج صحیح در دست ما نیست البته تصدیق می فرمایند که این یکی از بزرگترین نواقص این مملکت است و همه سعی داریم که انشاء الله این نقصان مرتفع شود فقط برای تذکر به حضرت والا و سایر آقایان دیگر عرض می کنم که در موقع گذراندن لایحه بودجه اعتباری در مجلس مذاکرات کافی بعمل آمده و یک بودجه جمع تقریبی هم در آن موقع دولت بما داد و ما آنرا مآخذ قرار دادیم و برای اینکه بعدها ما را دچار زحمت نکرده و در آتیه اسباب اشکال فراهم نیاید در مقابل لایحه که جمع ما را معین کرده بود یک لایحه خرجی هم بر طبق آن معین کردیم و در حدود این تشخصات یک اعتباری بدولت دادیم که برود و بودجه خود را بنویسد پس در نتیجه یک قدمی برای پیشرفت و اصلاح این کار برداشته ایم و کمیسیون بودجه هم نظر باینکه این مسئله یکی از وظایف - مخصوص اوست همیشه در هر لایحه که به

کمیسیون می آید این نظر را داشته و مراعات هم کرده است و گاهی دولت را متذکر گرد و فهمانده است که مجلس تعدیلی در جمع و خرج مملکت نموده و شما باید ملتفت باشید که در موقع نوشتن بودجه از حد اعتدال منحرف نشوند ولی راجع - باین مسئله مذاکراتی که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند از موضوع فعلی ما خارج است و دیگر اینکه در ضمن یک اصل کلی از قانون اساسی را فرمودند و اظهار داشتند که در فیهت مجلس هیچ دولت و وزیری حق ندارد از مالیه مملکت حقوقی بر قرار کند یا مخارجی بنمایند و نیز فرمودند ام وز ما در مجلس مواجه هستیم بیک قسمت از عملیاتی که از همین قبیل است خوب کسانی که در فیهت مجلس و دوره طولانی فترت هفت ساله بنا بر حفظ مصالح عمومی در اثر یک حوادثی وظیفه دارد حفظ و حراست و نگاهداری مردم بوده اند و می خواسته اند این طوفان و انقلاباتی که پیداهده رفع شود و دو باره مجلس مفتوح شود و اصل و ارکان مشروطه مستحکم گردد آیا وظیفه آنها چه چیز است؟ در این باب بنده عقایدی دارم و گمان می کنم خود حضرت والا هم تصدیق می - فرمایند که وضع قسمتی از شهریه ها نظیر به حفظ مصالح عمومی و مقتضیات مملکتی بوده ولی در اصل مسئله بنده هم کاملاً با ایشان موافقم و گمان دارم همه آقایان هم موافق باشند و باضافه بنده عرض می کنم در کمیسیون هم همین نظر بود ما بهیچ وجه نخواستیم و نمی خواهیم امروز هم شما تکلیف کنیم که باید شهریه و ماهیانه بر قراری در هیئت مجلس را صحیح بدانند بلکه بنده و همه آقایان تصدیق داریم و باهما موافقیم که ما باید اول تمام آنها را ملغی و منسوخ فرض کنیم و اگر آقایان فراموش فرموده باشند بنده تذکر می دهم که کمیسیون بودجه هم سابقاً یک قدمی در انجام این امر بر داشته و در ایامی که بودجه اعتباری از مجلس می گذرانند اقلام شهریه را توقیف کرد و برای قطعی مجلس موقوف نمود و همانطور که خود شاهزاده سلیمان میرزا پیشدستی فرمودند و حق هم داشتند ما هم در کمیسیون بودجه موقعی که این کتابچه را دولت فرستاده بود بدولت گفتیم ما این را بعنوان این که شهریه در ایام فترت برقرار شده تصدیق نداریم شما برای هر کس لازم می دانید یکی یکی پیشنهاد کنید دولت جواب داد که این کتاب چه عین پیشنهاد ما است و بنابراین ما هم این کتابچه را این طور ملغی کردیم و شروع با اقدام نوییم حضرت والا یک

نیرادی فرمودند که اگر این طور است چرا بعضی از قلمها بیکه در این کتاب چه نوشته شده مخلوط نوشته شده یعنی شهریه های زمان فترت و مستمریات مصوبه مجلس سابق هم را مخلوط کرده و نوشته اند و این ایراد حضرت والا کاملاً باین کتابچه وارد است ولی اگر این ایراد رفع نشد برای این بود که شاید این کتابچه در دفعه اول با یک نظر دیگری نوشته شده بود ولی در هر حال با آن نظر اولی که کمیسیون اتخاذ کرده بود این ایراد وارد نبود ولی با نظر ثانی این ایراد وارد است ولی در هر حال امروز چه کمیسیون بودجه و چه مجلس شورای ملی می خواهند کاری بکنند در این باب یک تصمیمی اتخاذ کنند و بدولت گفته باشند مردم همه بدانند قضیه شهریه ها که مدتی است در تمام مجالس و محافل شهر و بازار و روزنامه و پشت بام و بالاخره هر جا که فرض کنید اهم از مراکز صلاحیت دار و غیر صلاحیت دار مطرح است به چه ترتیب خاتمه پیدا نموده ؛ خوب حالا چه باید بکنیم؟ شاهزاده سلیمان میرزا می فرمایند مستماری را باید داد البته باید داد ما هم قبول داریم ؛ فرمودند آنهایی که بر حسب قانون وظایف عمل شده است آنها هم باید سر جای خودش باشد و مطابق قانون وظایف رفتار شود و آن شهریه هایی هم که مجلس سابق تصویب کرد آن هم صحیح است و پرداختش را قبول داریم آن وقت غیر از این اقلام دیگری باقی می ماند که ایشان جمع تقریبی را بیست و نه هزار تومان فرمودند و این قسمت را می فرمایند لغو کنیم و بگوئیم در موقعی که کیش آمد و ما باین مسئله مواجه شدیم بوظیفه خود رفتار کرده و گفتیم حقوق مقرر در فیهت مجلس کان لم یکن است اگر حضرت والا تا همین اندازه فرموده بودند و همین اندازه قناعت می کردند از نقطه نظر منطق و قانون بدون ایراد بود ولی بعد باین قسمت یک چیزی علاوه کردند و فرمودند دولت با آنهایی که می خواهند شهریه بدهند یکی یکی پیشنهاد کند و با ذکر یک ادله یک لایحه به مجلس بفرستد آن وقت اگر دیدیم صحیح است و طرف مستحق است تصدیق کرد و در رأی می دهم ولی اگر دیدیم مستحق نیست و فلفط است رد میکنیم ؛ در اینجا بنده تصور می کنم قدری کار مشکل خواهد شد علاوه همان کاری را که می فرمایند بعد بکنیم بهتر است برای اینکه همانطور که خودشان فرمودند یک قسمت از شهریه ها راجع باشخص مستحق است و اگر بنا باشد بعد دولت پیشنهاد بکنند و مجلس بیورد آن وقت وظیفه کمیسیون بودجه و مجلس خیلی مشکل خواهد شد برای اینکه اسامی آن اشخاص

از همین قبیل خواهد بود که در ذیل همین کتابچه نوشته شده منتهی در ورقه علی بنده بکمیسیون بودجه خواهد فرستاد آنوقت همین مشکلاتی که امروز هست آنروز هم خواهد بود پس در هر حال عقیده بنده اینست که باید راه حلی برای این مسئله فکر کرد که هم از نقطه نظر قانون صحیح باشد و هم از نقطه نظر موافقت بدولت و هم از نقطه نظر حق و انصاف رعایت قسمتی از ارباب مستحق شده باشد ؛ آن روز عرض کردم امروز هم عرض می کنم برای این که رعایت حال این اشخاص بشود کمیسیون بودجه مطابق این راهبورت قائل شده که تا پنججاه تومان را تمام بدهند و از پنججاه تومان بالاتر را تومانی سه قران کسر کنند و بعد هم هیئت متحده برای یک سال این کار را در نظر گرفته . بنده هم از افراد هیئت متحده استمراج کردم و دیدم همه با این نظر موافقت و عقیده شان اینست برای یکسال این مسئله اجرا شود تا بعد تکلیف بودجه در هر سال معلوم شود و برای دولت هم فرصت باقی باشد که در این خصوص مطالعه کند و به مجلس بفرستند پیشنهادی که فرموده اند بنده ندیده ام ولی حالا در ضمن مذاکراتی که آقایان مخالفین و موافقین می فرمایند بنده دقت خواهم کرد که پیشنهاد ها را ببینم و دلایلی هم که برای اقامه می شود مطالعه کرده با کمال خون سردی و میل شاید برای پیدا کردن طریقه حل این مسئله ترتیبی بنظر برسد و البته پیشنهادیکه تا درجه مطابق نظریه کمیسیون بودجه باشد او را قبول کرده و تحت مذاکره و شور می گذاریم . رئیس - اگر آقایان موافقت چند دقیقه تنفس شود در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و بعد از یک ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید رئیس - آقای دست فیهت مخالفند با موافق حاج سید محمد باقر دست غیب بنده بالا یحه مخالفم رئیس - بفرمائید حاج سید محمد باقر - بنده اساساً با اصل شهریه مخالف نیستم ولی با این لایحه مخالفم با اصل شهریه یا مستماری (فرق نمی کند زیرا به عقیده بنده هر دو یکی است) نمی شود مخالفت کرد بهمان منطقی که شاهزاده سلیمان میرزا تقریباً سه ربع ساعت بیان فرمودند و مفاد فرمایشات ایشان این بود که باید قدر شناس بود و مراعات اشخاص خدمتگذار را نمود و وسائل تشویق آنها را فراهم کرد و بالاخره فرمودند در این

کتابچه آنطور که باید قدر شناسی نشد و خود این مسئله تقریباً یکی از دلایل مخالفت ایشان با این لایحه بود با همان دلایلی که فرمودند با اصل شهریه موافق برای خاطر اینکه همینطور که از بعضی اشخاص بعقیده ایشان قدر شناسی نشده از بعضی دیگر شده پس بعقیده بنده نباید مخالفت کرد و باید شهریه را پرداخت و چون ایشان داخل ذکر اسامی شدند بنده هم داخل شخصیات شده و عرض میکنم مثلاً علی اکبر خان سردار مقتدر رئیس ایل سنجایی که بنده نمیدانم تصویب شهریه اش در دوره فترت بوده یا نه در حال این شخص کسی است که در زمان مهاجرت به آقایان مهاجرین خدمات کلی و همراهی های شایانی تقدیر کرده و آنها را در پناه خود حفظ کرده است بنده دیگر داخل جزئیات خدمات او نمیشوم زیرا خود آقایان مهاجرین بهتر و بیشتر از همه کس از خدمات او مستحضرند و حالاً که چنین شخصی به عقیده من از خانه وزندگانی و عائله خودش دور شده و در اینجا آمده و تقریباً بطور توقیف یا حبس نظر در اینجا اقامت کرده و دستش از علاقه حیات خودش کوتاه است و با اینکه خدمت هم کرده است حالا نتیجه خدمات او این باید باشد که از گرسنگی بمیرد؟

خوب کسی که به وطنخواهان و خادمین مملکت خدمت کرده (زیرا بنده مهاجرین را وطنخواه میدانم)

آیا نتیجه اش این است که بخانه خودش نرود؟ و در اینجا از گرسنگی تلف شود و پس بهمان فلسفه که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند باید ورثه آقا سید جلال الدین را دستگیری و اعانت نمود بنده هم عرض میکنم باید از سردار مقتدر و امثال او در هر موقع دستگیری و ملاحظه کرد و قدر دانی نمود برای این که لازمه جنس بشر این است که اگر او را تشویق و ترغیب کردی بیشتر آن کار را میکند که ما اینکه در جنگها اشخاصی که در کاب حضرت امیرالمومنین علیه السلام بودند حضرت امیر به حضرت امام حسن و امام حسین ع می فرمودند آنهارا تشویق و ترغیب کنند و با این که خودشان را در هر امری حق می دانستند معذالک همیشه میل داشتند از آنها تجریص و ترغیب شود برای اینکه تأثیر تشویق لازمه طبیعت بشر است و در هر کاری که بیشتر تشویق شود بیشتر و بهتر صورت میگردد پس همانطور که نباید بیکمده شهریه داد بیک عده دیگر هم بنام قدر شناسی بپایند پس باز که این دلایل نمی توان همه شهریه را موقوف کرد و گفت عموماً باید رد شود باز بهمان نظری که در در بات معارف مذاکره فرمودند و از معلمین دفاع فرمودند بنده

هم عرض می کنم باید یک قسمت از شهریه ها را برقرار کرد باز بنده داخل ذکر اسامی اشخاص نمی شوم زیرا بطور کلی

در ضمن این اشخاص یک مشت بچه هائی هستند که پدر ندارند و مادرشان هم از عهده معاش آنها بر نمی آیند و یا یکمده مردمان مستحق دیگری هستند که دولت مستعری آنها را مبدل شهریه نموده است بعقیده بنده نباید در پرداخت شهریه این قسمت از اشخاص مستحق مخالفت نمود پس بطور مطلق نباید با تمام شهریه ها مخالف بود بلکه بقول علماء تفکیک باید قائل شد چون بنده واعظ و روضه خوان هستم و افتخار هم دارم که واعظ و خطیب هستم از این جهت بطور ساده عرض میکنم ماسه قسم شهریه داریم یکی نسبت بعلماء یکی نسبت بفقره و ضعفاء و دیگری راجع باغبان است و از این سه قسم هم تجاوز نمی کند اما نسبت بعلماء در هر دولتی اعم از دولت اسلامی و غیر اسلامی مرسوم است که یک مساعدت هائی نسبت با اساس تبلیغات مذهبی خود می نمایند و البته همانطور که دول مسیحی نسبت با اساس مذهب خودشان یک مساعدت هائی می کنند همانطور دولت اسلام هم باید تبلیغات مذهبی خود حکمک هائی بنماید .

خوب دولت ما تا کنون چه خدماتی با اساس مذهبی و تبلیغات دیناتی خود نموده است؟

آیا حقوقی که در ازاء تبلیغ مذهبی اسلام معمول و مقرر دانسته کدام بوده است من که در خود را در جزو مبلغین مذهب اسلام می دانم هم چو چیزی سراغ ندارم و تا کنون ندیده ام دولت برای پیشرفت مذهب اسلام و تبلیغ اساس دیناتی خود خرجی بکند پس اگر این شهریه علماء تصویب شود این نخستین قدمی است که دولت برای تبلیغ و تشویق اساس مذهبی اسلام برداشته است آقایان را سابقه میهم بیک از شماره های مجله الهلال که نوشته بود البرا - باراندنی المذهب یعنی یه و یا کاند در مذهب معلوم میشود هر دولتی در پرویا کاند اساس مذهب خود سعی وجدی بوده و مذهب خود را تبلیغ و ترویج میکند ولی دولت اسلامی ما که جزء اعظمش مسئله دفاع و جهاد است چه تبلیغاتی کرده است بعضی می گویند این حق دولت نیست و حق مردم است بنده هم اینرا تصدیق میکنم که مردمان مذهبی باید جمع کنند و بجماع اسلامی بدهند ولی در عین حال دولت هم باید مساعدت و همراهی بکند مخصوصاً در حفظ بیت المال مسلمین البته آقایان همه مسلمانند و سابقه کلی به احکام و اخلاق اسلامی دارند معرف بیت المال مسلمین با اتفاق عموم دو چیز است یکی صرف در تبلیغ و یاد دادن اصول مذهبی و دیگری دفاع و حفظ حدود و ثغور مملکت چنانچه خلفاء هم بیت المال را بمصرف این دو چیز می رساندند خوب

ما از بیت المال مسلمین چه خرجی برای تبلیغ مذهب اسلام نموده ایم در حالتی که تمام دول مبالغ کلی صرف تبلیغات مذهبی خودشان می نمایند

ما چرا مشروطه شدیم؟ برای اینکه مطابق مذهب اسلام بود بنده خودم را عرض می کنم که از روز اول مشروطه را برای اینکه مطابق با اصول مذهب اسلام بود قبول کردم و اگر چنانچه مطابق مذهب اسلام نبوده بنده هرگز این مسلک را قبول نمی کردم

رئیس التجار - اگر مخالف بود هیچ کس قبول نمیکرد

حاج سید محمد باقر - معلوم است هیچکس قبول نمی کرد اثبات شئی نفی ماعدا نمی کند البته اگر مشروطه مخالف با مذهب اسلام بود بنده نه آقای رئیس التجار و نه هیچیک از آقایان او را قبول نمی کردم پس قسمتی از بیت المال باید صرف تبلیغ مذهب شود

حالا راه مصرف آن چیست باید به وزراء یا معاونین آنها داد خیر باید بعلماء داد که صرف تبلیغات مذهبی بکنند شاید یکی از آقایان ببندد بفرماید که علماء هم در تبلیغات مذهبی و امور راجعه بخود یک مسامحه هائی کرده اند آن از موضوع بحث خارج است البته شخص عالم باید تبلیغ کند و دولت هم یک مساعدت هائی بآنها با اساس تبلیغ مذهب بکند و دولت باید مبلغی صرف علماء مخصوصاً علمائی که در سیاست مملکت مدخلیت تام داشته و دارند نباید برای این که خاطر آقایان هست که اگر حکم مرحوم آیه الله خراسانی و مرحوم آیه الله مازندرانی نبود مشروطه برقرار نمی شد زیرا سابقین اکثریت مابک اشخاص عالم و مدانی نبود که بتوانند مشروطه را مستقر کنند پس بنده تحقیقاً عرض می کنم که اساس مشروطه بر حسب احکام مرحومین آیه الله خراسانی و آیه الله مازندرانی برپا شد و ما با واجب احکام آن ها مشروطه را قبول کردیم و در هر موقع به اساس دینت و مذهب ما خدمات کرده اند پس عرض می کنم همانطور که علماء خدمت کرده اند باید قدر شناسی هم از آنها نمود بنده در طهران نبودم

ولی آقایان در طهران بودند و میدانند در مسجد جمعه حجین آتین طباطبائی و بهجانی چه می کردند مرحوم بهجانی بودند که پیراهن و دامان قبا و هبای خود را عقب می کردند و می فرمودند گلوه را بسینه من بزنید چرا برای اینکه بما مشروطه بدهند همه آقایان میدانند نشستن امروز ما روی این کرسی از اثر تبلیغات و احکامی است از ناحیه علماء و حجج السلام صادر شده آنها مشروطه را بپاداده و ما را پشت این کرسی نشانند

مرحوم آیه الله آقا سید عبدالله بهجانی و آقا سید محمد طباطبائی برای مازحمات زیاد کشیده و البته همانطور که قدر خدمات مرحوم آقا سید جمال الدین را باید دانست قدر خدمات و فداکاریهای این حجج السلام را هم باید دانست بنده عرض می کنم بهمان دلیل و فلسفه که باید بورثه آقا سید جمال الدین اعانت و استمداد کرد البته باید از تشویق و قدر دانی خدمات علماء هم غفلت نکرد و در حق ورثه آنان کمک و مساعدت نمود مثلاً نسبت بمرحوم آقا سید عبدالله که جان خودش را نثار آزادی و راحت ما نمود آیا نباید حالا بورثه او رعایت و کمکی کرد

پس همانطور که عرض کردم قسمتی از بیت المال مسلمین باید صرف تبلیغات مذهبی بشود چنانچه در سایر دولتها هم معمول و متداول است

اما نسبت بفقره البته باید رعایت کرد و البته دولت مجبور است نسبت بفقره و درماندگان و ضعفاء یک مساعدت هائی بکند نه اینکه مفت خور در مملکت درست بکنند این اشتباه است در اینجا تا یک لفظی بمیان بیاید گفته میشود (مفت خور) و نیز گفته میشود اگر بنا باشد دولت همراهی با فقره و در ماندگان بکند آنوقت هم می گویند ما فقیریم و در نتیجه دولت باید همه بیت المال مسلمین را بفقره ای مصروف بدهد خیر اینطور نیست اگر کسی اینجا بیاید و بگوید آقایان ما از شما حقوق نمی خواهیم فقط کاری بکنید که با ظلم نشود چه جواب خواهید فرمود شما باید ادارات را مرتب بکنند همایات حکام را محدود کنید و بالاخره باید کاری بکنید که رسم ظلم و تعدی از میان برداشته شود و دیگر برهائی بدبخت ظلم نشود بنده خودم در این سفر که از شیراز بطهران می آمدم حا کم آباد از زارع بدبختی دوست تومان رشوه گرفته بود اقرار هم کرده و دو سه اش هم موجود است به آقای رئیس - الوزراء هم تا کنون اظهار نکرده ام زیرا نرسیدم اگر بایشان اظهار می بکنم یا چیزی کتاباً عرض کنم آنوقت بفرمائید توصیه و کلاه کار را خراب می کند

بنده کاملاً مصدق فرمایش شاهزاده سلیمان میرزا هستم که میفرمایند باید توصیه و ورق پاره موقوف شود اما وقتی بنده به مجلس می آمم آن کسی که دوست تومان از او گرفته اند می گویند کجا میخواهی بروی می گویم به مجلس میروم می گوید برای چه؟ نمی توانم بگویم برای این میروم که نماز و روزه و مسائل شرعی ام را درست کنم باید بگویم برای رفع ظلم میروم آنوقت می گویند این دوست تومان را فلانکس باقرار خودش گرفته است بگیرو بمن بده آخر من کی موفق شده ام رفع ظلم از او بکنم و طلب او را بگیرم کدام

وقت يك چنين حرفی در مجلس زده شده است .

آقا سید یعقوب - همیشه گفته شده است

دست غیب - بنده نسبت بدولت نخواهم حسارت بکنم البته دولت است و رای اعتماد باو داده شده بنده هم باید مفت خوار درست نکنم و آنوقتی که ممکن می شود که دست ظلم و جور از سر مردم کوتاه شود و برای آنها دولت کار درست کند .

وزیر مشاغل می خواهند که از کرسنگی نبرند مثلا من پنجاه سال است زندگی کرده ام و حمالی هم نکرده ام و از عهده ام هم بر نمی آید باید دولت برای من کار درست کند و مادامی که دولت کار تهیه نکرده است بایستی يك اهانتی بفقره وضع نماید نه اینکه هر فقیری را در کوجه به بیند پول بدهد که آنوقت بعضی ایراد کنند پس همه فقره را باید دولت حقوق بدهد خیر بلکه مقصود این است وقتی يك موضوعاتی راجع بشهریه فقره وضع نماید بمجلس می آید بایستی موافقت کرد و به آن زن بیچاره یا فلان طفلی که بمدرسه می رود و ماهی ده تومان داده نمی شود گفت برو حمالی کن دولت مفت خوار درست نمیکند وقتی این حرف را می شود مردم گفت که کار و شغل در مملکت تهیه شده باشد پس از روی منطق اسلامی و دیانتی و مملکتی نسبت به علماء و فقراء بایستی داد همانطور که سایر دول هم اینکار را می کنند ولی نسبت به اغنیاء و پولداران نباید داد در اینجا است که بنده با سه ربع فرمایش شاهزاده سلیمان میرزا موافقم زیرا نباید فلان حاکمی که دوهزار تومان حقوق دارد شهریه داد بامورین دولت نمی شود گفت گفت شما غیر از مواجیشان يك دخلهای دیگری هم دارید ولی يك قسمت چیزهایی است که همه می دانیم و اظهار نمی کنیم . بنده چون شیرازی هستم نسبت به قسمت خودم عرض می کنم حاکم فارس نباید حقوق بگیرد یا فلانکس که دور امیریه را حصار کشیده نباید شهریه و مستمری بگیرد لکن فلان بیوه زن بیچاره یا ورثه فلان حجه السلام هم نباید به آتش او بسوزند از این نقطه نظر است که بنده با این لایحه مخالفم زیرا در صورت کسر از علماء هم کسر میشود و در يك مملکتی که نماینده گانش مسلمان و مذہبش مسلمان و بالاخره تمام افرادش مسلمانند این حرف فوق العاده است .

يك كلمه دیگر یاد آمده که ناچارم عرض کنم همانطور که شاهزاده سلیمان میرزا می فرمودند محکوم با عدم است بنده هم عرض می کنم این خجالت برای اسلام است که يك شخصی مثل آقا سید محمد علی

داهی الاسلام که به شیراز و اصفهان آمد دولت با او مساعدت نکرد و بالاخره مجبور شد به هندوستان رفت و داخل مدرسه انگلیسیها شد پس عرض می کنم دولت باید يك قسمت از بیت المال را صرف تبلیغات مذہبی و دیانتی بنماید زیرا هر چه افراد مسلمین زیادتر شوند قوت و شوکت اسلام زیادتر می شود سایر دول هم همین کار را می کنند مثلا در هندوستان يك قانونی است که دختر انگلیسی را برود هندی نمیدهند ولی اگر يك مرد هندی آمد و مذہب مسیحی را قبول کرده او دختر میدهد و دولت هم پول و خانه و اثاث البیت باو میدهد برای خاطر اینکه افراد مذہبش را زیاد کند و پروپاگاندا مذہبی نماید بنابراین باید این را ۳ قسمت کرد و همین طور هم پیشنهاد کرده ام اولاً نسبت به علماء و فقراء باید داد که صرف تبلیغات مذہبی و دیانتی نمایند زیرا مجلس باید نسبت بروحانیون و علماء احترام کند ولی به اغنیاء نباید داد حالا ممکن است آقایان به فرمایند امتیازش مشکل است در این صورت عرض می کنم این طوریکه بنده تصور کرده ام اشکالی ندارد اولاً فقره عدمشان معلوم است مثلا وقتی بورثه آقا سید جمال الدین میرسیم باید مبلغ او را زیاد کنیم همین طور نسبت بورثه آقا سید عبداللہ زیرا راجع به علماء است آنوقت پنجاه قلم مایه النزاع می شود که دولت نمی داند آنها فقیرند یا غنی راجع باین قسمت هم باید کمیسیون از طرف مجلس انتخاب شود و با نماینده دولت بنشینند و معین کنند از این پنجاه قلم کی ها فقیرند و کیها غنی این پیشنهادی است که بنده کرده ام اگر چه شاهزاده سلیمان میرزا هم مخالف باشه شهریه فقره نبودند و هر چه دفاع می کردند راجع بشهریه اغنیاء می کردند و دفاع ایشان از امیر کبیر و فلان الکها و فلان السلطنه ها بود اما اینکه فرمودند اینها نتیجه استقرض می شود بنده عرض می کنم چهل هزار تومان نتیجه استقرض نمی شود

نتیجه استقرض این است که وقتی دولت پولی قرض می کند بگویند این پولی را قرض کردی چه کردی؟ تا دفعه دیگر دولت بدانند پول باید به مصرف خودش برسد و بهوده خرج نکند

این راجع بکمیسیون ایام فترت است که باید آنها را در تحت استنطاق کشیده و حساب مخارج را معلوم نماید آن وقت دیگر دولت استقرض نمی کند مجلس دو کار دارد:

یکی اینکه وضع قانون بکنند دیگر اینکه نظارت در اعمال دولت نماید .

اگر این کار ثانوی را بکنند بعضی ناظر اعمال دولت باشد و هر وقت دید دولت يك قدم خطائی برداشت بگویند در این جا خطا کردی دیگر استقرض نمی شود حالا این جا اعتیاد نشود که یکی از موافقین برخیزد بگوید شما با شهریه امیر کبیر موافق بودید استغفر الله بنده با این اقلام مخالفم

ولی عرض می کنم نسبت به علماء و فقراء موافقم زیرا شهریه ها را نمی شود بطور کلی قطع کرد پیشنهاد بنده این است که باید به علماء و فقراء داد و آنها را تشویق و ترغیب کرد و اگر باز توضیح بخواهند در تالی عرض می کنم

رئیس - آقا سید یعقوب اجازه

آقا سید یعقوب - تکلیف بنده در این جا معلوم نیست زیرا بعد از شاهزاده نصرت الدوله آقاها دست غیب فرمایش فرمودند و باین شرح مفصلی که فرمودند بنده نفهمیدم ایشان موافق بودند یا مخالف اگر مخالف بودند آنوقت که مخالف پشت سر هم نمی توانند صحبت کنند خوب است اول آقای رئیس معلوم کنند موافقت بود یا مخالفت تا بعد بنده عرض کنم و آقای رئیس در وسط نطق ببنده اعتراض نفرمایند

رئیس - مگر نشنیدید که پیشنهاد دادند اگر موافق بودند پیشنهاد نمی کردند

آقا سید یعقوب از نطقشان که معلوم نبود مخالف بودند یا موافق

رئیس - در يك قسمت موافق بودند و در يك قسمت مخالف

آقا سید یعقوب - بنده از اول عرض می کنم و آقای رئیس را گول نمی زنم نسبت بیعضی موافقم و نسبت بیعضی مخالف

رئیس - پیشنهاد دارید

آقا سید یعقوب - پیشنهادی به پشت متعده داده بنده هم امضاء کرده ام

رئیس - آقای اقبال السلطان اجازه

اقبال السلطان - واقعا همان طور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند این راپورت کمیسیون طوری است که نه با تمام آن می شود موافقت کرد نه می شود مخالفت کرد بنده هم مثل آقای دست غیب با يك قسمت موافقم و با يك قسمت مخالف دولت های سابق در فیت مجلس يك راهیتی از اشخاص کرده اند باینجهت که با فقه بوده اند سابق خدمت آنها را ملاحظه کرده اند یا جهات دیگری را در نظر گرفته اند در راه قریب چهل هزار تومان در حق آن اشخاص بر قرار شده است حالا مجلس یکی از سه تصمیم را در این موضوع می تواند اتخاذ کند یکی اینکه تمام شهریه ها را قطع کند یکی اینکه تمام را بدون کسر

تصویب کند و یکی هم اینکه يك قسمت را کسر کند و يك قسمت را تصویب کند بر طبق مذاکراتی که در مجلس شده عقیده اکثریت را بنده در قطع تمام شهریه ها ندیدم اکثریت موافقت دارند که باید شهریه داده شود و یا پرداخت تمام شهریه ها هم موافقت حاصل نشد پس گفتگو در این است که کمیسیون پیشنهاد کرده از پنجاه تومان ببالا تومانی سه قران کسر کنند و تومانی هفت قران پرداخته شود و بعضی از آقایان عقیده دارند بیکسانی که مستحق هستند شهریه بدهند و بآنها که مستحق نیستند ندهند عقیده شاهزاده سلیمان میرزا این بود شهریه هایی را که مجلس تصویب کرده بدهند حقوق هائی هم که بر طبق قانون وظائف برقرار شده داده شود فقط باقی می ماند مستمریات و شهریه هائی که دولت های وقت در ایام فترت داده اند و عقیده حضرت والا این بود که دولت آنها را ثانیا بمجلس پیشنهاد کند و مجلس در اطراف آنها مذاکره کند و در ای بدنه عرض می کنم همین کتابچه که دولت فرستاده در واقع پیشنهاد دولت است و تقاضا نموده باین اشخاص این مقدار شهریه داده شود حالا باید در این موضوع مذاکره کرد که به کیها بدهند و کیها ندهند ولی اینکار بنظر بنده خیلی مشکل است زیرا اشخاص در مجلس هستند که اینها را با بد نمی شناسند من جمله خود بنده شاید چند نفری را بشناسم ولی نمی دانم محتاج شهریه هستند یا نه بنا بر این نمی توانم رأی بدهم و مجبورم در موفع رأی متنع باشم و در این مسئله هم گمان نمی کنم اکثریت حاصل شود زیرا بنده فلان آقارا غنی میدانم ولی فلان آقا او را فقیر تصور می کند پس باید آقایان نمایندگان يك شوری بکنند و يك نظریه کلی اتخاذ کنند که این حقوق عجمالتا داده شود با کسريك میزانی حالا اگر سه قران را کم میدانند زیاده تر کنند و اگر آنرا کافی میدانند بهمین حال باقی گذارند و دیگر اینکه ایرادی که بنده در این راپورت دارم این است که می خواهند این شهریه ها را مادام الحیوة بدهند و حال آنکه در این شهریه اقلامی هست که خود دولت معین کرده برای مدت معینی برای بعضی ها بیست و یکسال است و برای دخترها مادامی که شوهر اختیار نکرده اند این را نمی توان مادام الحیوة قرار داد و همانطور که آقای دست غیب فرمودند حقوقی که بسر داران سنجایی داده می شود يك حقوق دائمی یا مادام العمری نیست بلکه بواسطه اینکه حالا در طهران متوقفند و نمی توانند بمحل خودشان بروند يك مك خرجی به آنها داده می شود در این صورت نمی شود از آنها مبلغی کسر نمود و نه میشود مادام الحیوة بآنها داد زیرا این مبلغی نیست

که کفایت مخارج آنها را بکنند و مطابق اطلاعاتی که بنده دارم در این جا خیلی مقروض شده اند و شاید بعضی از آقایان نمایندگان هم از آنها طلب داشته باشند پس اگر آقایان صلاح بدانند خوبست پیشنهاداتی که از طرف نمایندگان می شود بر گردد بکمسیون بودجه و در فرا کسیونها هم در این موضوع یک مذاکراتی بکنند و یک تصمیم قطعی اتخاذ نمایند

رئیس - آقای سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده گمان می کنم اگر مذاکره در این موضوع طول بکشد بدون فلسفه نباشد زیرا در عرض شش سال ایام فترت هر جلسه که هیئت وزراء برای گذراندن یک تصویب نامه تشکیل داده اند بقدر یک جلسه طول کشیده و ما حالا می خواهیم عملیاتی را که در شش سال ایام فترت واقع شده لغو کنیم و البته باید سعی کرد که بعد از این این طور نه شود و اگر خدای نخواسته فترتی پیش بیاید وزراء دوره فترت نتوانند چنین کاری بکنند اساساً بنده مایل نیستم حقوق کسی قطع شود زیرا بر حسب تاریخ وقتی نگاه میکنیم گرچه قبل از اسلام تاریخ مفصل نبوده لکن بعد از اسلام هست چه در دوره خلفا چه بعد از آن در ایران این ترتیبات بوده حتی در دوره مغول چنانچه در دفترها ملاحظه میشود بمنوان سیورغال یک ترتیباتی معمول بوده در زمان صفویه و قاجاریه هم همین ترتیبات بوده و نسبت بروحانین و طبقات مسکری و لشگری یک ملاحظاتی می شده حالا ما نمی توانیم یک مرتبه ایران را برداریم و پاریس را در جای آن بگذاریم باید عادات و حاجات مردم را در نظر گرفت و مطابق آنها رفتار کرد والا نمی شود یک اخلاقی را که هزار و سیصد سال است بآن ترتیب می کرده اند تفسیر ماده این است که این ترتیبات در ایران جاری بوده و یک حقوقاتی برقرار شده ولی از زمانی که ما یا بدوره تجدید گذاشتیم و حکومت مشروطه را قبول کردیم کمسیون بودجه در مجلس اول یک اقداماتی کرد و عقیده بنده این است که آنچه مجلس اول مطابق اصول مشروطه رای داده باید رفتار شود بعد کمجلس اول بتوب بسته شد و دوره فترت پیش آمد باز دربار باغ شاه یک کارهایی کرد که دومرتبه طهران فتح شد و هیئت مدیره بمجلس آمد تمام عملیات دوره حکومت محمدعلی میرزا را لغو کرد بنده حالا رجز نمی خوانم و داخل جزئیاتش نمی شوم خود بنده حاضر بودم که این عملیات می شد مجلس دوم هم وارد در یک سلسله عملیاتی شد و ملاحظه بعضی حقوقات

را کرد بعد کمکودتای ناصر الملک پیش آمد و چند سال ترتیبات مشروطیت را از بین برد تا اینکه مجلس سوم پیش آمد و هر چه مجلس دوم کرده بود تصدیق کرد باز بعد از دوره سوم هم فترت پیش آمد و یک عملیاتی کردند بنده نمی توانم خودم را راضی کنم که زمامداران وقت که برای بقاء حکومت خودشان یک شهریه هائی در طهران برقرار نموده اند و چند سال افتتاح مجلس را بتعمیق انداختند با عملیات آنها موافقت کنم بنده می خواهم مطابق عقیده آزادی خواهی خودم رفتار کنم از آن طرف هم عرض کردم باید احتیاجات مردم را در نظر گرفت پس عقیده بنده این است که آنچه شهریه در ایام فترت برقرار شده لغو شود بعد اگر دولت لازم می داند یکی یکی آنها را بمجلس پیشنهاد کند برای اینکه دولت های وقت بدانند مجلس که افتتاح می شود اثرات فترت را پایمال خواهد نمود آنوقت دیگر زمامداران و رجال مملکت که بخیال وزارت می افتند دیگر دوره فترت را ادامه نخواهند داد و دیگران هم نمی گویند بما شهریه بدهید و دوره فترت را امتداد بدهید اگر ما این قدم را برداریم آنوقت اگر خدای نخواسته دوره فترتی پیدا شود دیگر وزراء جرئت نمی کنند حاتم بخشی کنند و نمی توانند کمیانی های حقوق بگیر تشکیل بدهند آن کمیانی ها نمی توانند نماینده پیش دولت بفرستند و بگویند بما حقوق بدهید و هر چه می خواهید بکنید پس عقیده بنده این است که ما باید کاری بکنیم که هم آثار دوره فترت را پایمال کنیم و هم مطابق احتیاجات مردم عمل نماییم این است عرایض بنده

رئیس - چون پیشنهادات زیادی رسیده است باید معلوم شود مذاکرات در کلیات کافی است یا خیر (بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - پس بقیه مذاکرات می ماند برای روز سه شنبه

شیخ الاسلام اصفهانی - اجازه می فرمائید

رئیس - بفرمائید

شیخ الاسلام - بقول قدیمی ها این یک رنگ تازه ایست و بقول جدیدی ها مد جدیدی است ده جلسه است بنده از آقای وزیر عدلیه سؤالی دارم و برای جواب سؤالات بنده تشریف نمی آورند

رئیس الوزراء - مریض بوده اند

شیخ الاسلام - خوب است آقای رئیس الوزراء بوزراء خودشان توصیه بفرمایند که بترتیبات قانونی نزدیکتر بشوند نه دورتر

رئیس الوزراء - وزیر را که در حال ناخوشی نمی شود مجبور کرد بمجلس بیاید (مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم مؤتمن الملک شد)

جلسه ۱۲۱  
صورت مشروح مجلس  
یوم سه شنبه هفتم ذی حجه  
الحرام ۱۳۴۰ مطابق نهم  
اسفند ۱۳۰۱

مجلس تقریباً ۳ ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم یکشنبه هفتم اسفند را آقای امیر ناصر قرائت نمودند

رئیس - آقای حاج سیدالمحققین (اجازه)

حاج سیدالمحققین - بمقیده بنده هر چیزی در ایران قدر و قیمتی دارد غیر از وقت و متأسفانه وقت چندان قدر و قیمتی ندارد و طوری این مسئله عمومیت پیدا کرده که بهراکز رسمی هم سرایت کرده بنده حساب کرده ام هر جلسه رسمی مجلس دوهزار تومان برای ملت تمام میشود و موضوع شهریه ها دو جلسه است مذاکره شده و این جلسه سومی است که مذاکره می شود این است که از آقایان نمایندگان تقاضا دارم که در همین جلسه این مسئله را خاتمه دهند

رئیس - اطهاری که فرمودید بجای خود صحیح است ولی عجلاته راجع به صورت مجلس باید مذاکره کرد تا تکلیف آن معلوم شود بعد فرمایشتان را بفرمائید نسبت به صورت جلسه ایرادی نیست (اطهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد خطاب بحاج سیدالمحققین عجلاته یک چیزی را که جناب عالی ذی نفع هستند مسئله ارومیه است که در دو جلسه قبل راپورتش قرائت شد و هنوز تکلیفی برای کمسیون معین نفرمود اند اگر مخالفی نباشد در این راپورتی که طبع و توزیع هم شده قدری مذاکره شود تا تکلیف کمسیون معین باشد اگر مخالفی نیست راپورت کمسیون قرائت می شود

(مخالفی نشد)

آقای منتصر الملک راپورت مزبور را

شرح ذیل قرائت نمودند بطوریکه خاطر آقایان نمایندگان محترم مسبوق است پیش از مراجعه و تظلم جمعی مهاجرین ارومیه حاضرین مرکز مجلس شورای ملی انتخاب یک کمسیون نه نفری تصویب و منتخب گردید

کمسیون مزبور پس از تحقیق حالات متظلمین فعلی و مراجعه بدوسیه هائی که راجع بتظلمات عموم ارومیه ها رسیده بود و مطالعه دوسیه جمع آوری اهانه بنام غارت هندگان آن نواحی و تقسیم مبلغی از این اهانه بین آنها وظیفه خود را در این دانست که ابدأ برای رفع عسرت عده حاضر در مرکز اقدام عاجلی بطریق ذیل بعمل آورد

بموجب صورتی که تهیه شده عده حاضره مرکز دوپست و پنجاه نفر هستند عجلاته تصویب شد کاز (۲۷) سلطان تا مدت (۲۰) روز از طرف وزارت جلیله مالیه با حضور یک نفر از اداره مباحثت مجلس و اطلاع اداره نظمی بهر نفری دو قران و قران بپردازند و این مبلغ که تضمینت یک هزار تومان می شود جزو وجوه اهانه محسوب خواهد شد در آتی نظر باینکه عده از این جمعیت صنعت کار و زارع هستند با مراجعه بریاست کل خالصجات و مذاکره با نماینده وزارت جلیله جنگ و نظمی و بلیطیه تصمیم گرفته شد که برای هر یک از این عده شغل مناسبی تهیه شود که در مقابل اجرت اخذ و اعاشه نمایند و در این باب مراجعه بتظمی شد که هویت این عده را تشخیص و بمقامات مزبوره توصیه نمایند و بعهده که عجزه و مضاعف هستند با چند نفر از معروفین که از هواید علاقه خود محرومند مبلغی بمنوان مدد معاش موقتاً پرداخت شود که بعد از وصول وجوه اهانه موضوع گردد و بالاخره برای اینکه کمسیون بتواند بهالت اسف آور این امر خاتمه داده و وجوهی که فعلاً مطابق صورت حساب باقی است وصول و به غارت زدگان نواحی ارومیه - سلموز - سلماس - با یک اصولی که بعد اتخاذ میشود برسانند اختیاری بشرح ذیل از مجلس تقاضا می نماید

( بکمسیون ارومیه اختیاری داده می شود در وصول وجوه اهانه ارومیه بطریق مقتضی اقدامات لازم بعمل آورده وصول نماید )

مخبر کمسیون - مستشار السلطنه رئیس - آقای حائری زاده مخالفند ؟

حائری زاده - بای مخالفم

رئیس - بفرمائید

حائری زاده - این اختیاری که به کمسیون داده می شود هیچ معنی ندارد دولت باید وجوه اهانه را وصول نماید و کمسیون باید در آن نظارت داشته باشد نه اینکه بخود کمسیون اختیار داده شود وجوه اهانه را وصول نماید و این مسئله اختیار دادن بکمسیون یک ترتیب و طرز تازه ایست و بنده بهیچ وجه معتقد نیستم بهیئت دیگری غیر از هیئت دولت اختیار داده شود عقیده ام این است بدولت اختیار داده شود در تحت نظر کمسیون وجه اهانه راجع آوردی و بارومیه ها تقسیم نمایند والا این ترتیب صحیح نیست

مستشار السلطنه - مخبر کمسیون ارومیه البته نماینده محترم توجه خواهند فرمود که کمسیون خودش مأمور اجرای این کار نخواهد بود فقط کمسیون در نظر خواهد داشت که رسیدگی نماید وجوهی که بجهت اهالی ارومیه جمع آوری و بتوسط اغناس